

نامه آقای وزیر امور خارجه ایران
به آقای سفیر کبیر انگلیس
در تاریخ ۴۰ تیر ماه ۱۳۳۰

- آقای سفیر کبیر: در پاسخ نامه شریفه شماره ۱۹۲۹۵۱ ر ۱۵۳۰۱ جی مورخ ۱۵ تیر ۱۳۳۰ آنجناب باستحضار میرساند:
- ۱ - دولت شاهنشاهی بموجب اعلامیه مورخ دوم اکتبر ۱۹۳۰ صلاحیت دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری را در مواردی که امر مربوط بحق حاکمیت ایران باشد قبول نکرده است.
 - ۲ - دولت شاهنشاهی این نظریه را بدیوان بین‌المللی دادگستری اعلام داشته و حق این بود دیوان مزبور بجای اتخاذ هر تصمیمی قرار عدم صلاحیت خود را صادر و اعلام میداشت.
 - ۳ - دولت شاهنشاهی قرار مورخ ۵ ژویه ۱۹۵۱ دیوان بین‌المللی دادگستری را که به پیچوجه متکی بموازن حقوقی نبوده و دور از عدالت و انصاف میباشد

معتبر نمیدانند :

۴ - اینجناب ضمن تلگراف خطاب بدبیر کل سازمان ملل متحد مورخ دهم تیر ماه ۱۳۳۰ (نهم ژوئیه ۱۹۵۱) که عین آن نیز برای استحضار دیوان بین‌المللی دادگستری در همان تاریخ مخابره شده است (وبوسیله جراید و رادیو بااطلاع عموم زسیته و آن جناب مسلماً تاکنون از مفاد آن استحضار حاصل فرموده اید) صریحاً اشعار داشتیم که دولت شاهنشاهی دیوان مزبور را صالح در رسیدگی باین امر نمیداند و بعلاوه الحاق خود را بقضاوت اجباری دیوان موضوع جزء دوم ماده ۳۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مسترد میدارد .

بنا بر این دولت شاهشاهی قرار دیوان بین‌المللی دادگستری را غیر عادلانه و بر خلاف استقلال و حق حاکمیت ایران تشخیص داده و بطوری که در ملاقات روز شنبه ۱۵ تیر ماه جاری شفاها نیز باستحضار جناب‌عالی رساندم قرار مزبور را بهیچوجه معتبر ندانسته و نمیداند .

موقع را مقتضای شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

وزیر امور خارجه

www.iran-archive.com

پیام آقای دکتر مصدق نخست وزیر
 با آقای ترومن رئیس جمهور آمریکا
 در تاریخ ۳۰ آیر ماه ۱۳۳۳

حضرت آقای ترومن رئیس جمهور محترم کشورهای متحده آمریکا پیام دوستانه
 جوایه آن جناب مورخ ۹ ژوئیه کمی بعد از آنکه دولت ایران تصمیم خود را نسبت بقرار
 دادگاه بین الملل اتخاذ و ابلاغ کرده بود توسط جناب سفیر کبیر آمریکا رسید لازم
 میدانم یکبار دیگر از توجه آنجناب که نسبت بمصالح ایران همواره ابراز فرموده اید
 تشکر کنم .

چنانکه در پیام سابق معروض داشتم دولت و ملت ایران دولت و ملت آمریکا
 را طرفدار آزادی ملل و حق عدالت میشناسند و از این لحاظ علاقه می را که رئیس
 جمهوری محترم در بساب حل مشکلات اقتصادی کشور ما و مسئله نفت ابراز میدارند
 صمیمانه تقدیر میکنم .

مخصوصاً اینکه اشاره به‌علاقه و همدردی آمریکائیان بحصول آمال ملی ایران و قبول اصلی ملی شدن صنعت نفت فرموده اید اسباب کمال خوشوقتی گشت زیرا دولت ایران مقصودی غیر از قبول شدن این اصل مطابق قوانینی که بتصویب مجلسین رسیده است نداشت و ندارد و همواره حاضر بوده و هست که در حدود قوانین مذکور هر اقدامی را که راجع باختلافات باشد بعمل آورد ولی با کمال تأسف تا آنجا که دولت ایران تشخیص داده است تاکنون از ناحیه شرکت سابق راجع بقبول اصل ملی شدن صنعت نفت مطابق قوانینی که از تصویب مجلسین گذشته و دولت ملزمست آنرا اجرا کند اظهاری بعمل نیامده و پیشنهادی نشده بلکه نمایندگان شرکت در یادداشت مورخ ۲۸ خرداد ماه ۳۰ نوزدهم ژوئن ۱۹۵۱ پیشنهادهائی بر خلاف قوانین مذکور دادند که منجر بقطع مذاکرات شد.

دولت و ملت ایران بشرطی که حق مسلم ملی ما مطابق قوانین ملی شدن نفت مورد موافقت واقع گردد حاضر است بلا فاصله برای حل کلیه اختلافات وارد مذاکره بشود تا وقفه‌ئی در کار بهره برداری که دولت ایران همواره از آن احتراز داشته و چنانکه فرموده اید مورث خسارت برای همه است حاصل نگردد.

در باب تمایل آنحضرت راجع بکمک بکشور ما باید بگویم که دولت و ملت ایران این نیت عالی را صادقانه و صمیمانه تقدیر میکند و بخصوص که حاضر شده اید یکی از رجال مشهور آمریکا یعنی آقای اورل هریمان را بسمت نمایندگی از طرف خودتان برای مشاوره با اینجانب بتهران روانه دارید دولت ایران بااطلاعی که نسبت بتجارب زیاد و شخصیت آقای هریمان دارد با توجه باینکه بسمت نمایندگی آنجناب بتهران می‌ایند این موضوع را حسن استقبال میکند و امیدوار است از مشاوره با چنان شخصی بهره مند شود و در این فرصتی بدست خواهد آمد که ایشان هم نظریات دولت ایران را مستقیماً بشنوند و اوضاع کشور و شرائط زندگانی و احتیاجات ملت ایران را از نزدیک مشاهده کنند.

در خاتمه این فرصت را برای تقدیم بهترین احساسات صمیمانه خود مغتنم می‌شمارد.

نخست وزیر ایران

نطق آقای دکتر مصدق نخست وزیر
در مجلس شورای ملی
در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۰

آقایان نمایندگان محترم اطلاع دارند که در نتیجه فشار و تسلط سیاست خارجی و سلب آزادی از مردم سالها جامعه ما را چنان زبون و بیچاره ساخته بود که احدی یارای آن نداشت تا مسائل حیاتی یعنی آنچه مربوط به زندگانی فردی اجتماعی او است سخنی بگوید و نظری اظهار بدارد البته معلوم است که در چنین محیط پر خوف و هراس هنگامی که قرار داد تمدید امتیاز نفت بمجلس عرضه گشت نمایندگان مجلس جز بقبول این چاره ای نداشتند و باید بگویم که اگر هم مجال سخنی بود اکثر نزدیک تمام نمایندگان مانند افراد ملت چنان در اینبات در عالم بی خبری بودند که گذشته از از مضار سیاسی از نظر فنی و اقتصادی هم کمتر امکان داشت که بتوانند سخنی مستدل بگویند و نگذارند قراردادی چنین هولناک بملت ایران تحمیل گردد.

شرکت سابق نفت از ابتدای شروع بکار تاروزیکه سخن از تجدید و تمديد امتیاز بمیان آمد و بعد از آن تا تصویب قانون اخیر بتمام قوامیکوشید که مردم را در جهل و بی خبری نگاهدارد و نگذارد ارزش این ثروت هنگفت که خداوند عالم در سرزمین پربرکت ایران بودیمت نهاده است آگاه شوند تا بتواند چنانکه کرد و دیدیم با فراغ بال و وسعت مجال این ثروت بیکران را یغما کند و بعبارت بهتر از کیسه تهی ملت فقیر ایران بریاید و انبان بی انتهای حرص و آز سرمایه داران کشور خو را پر سازد این جهل و بی خبری همچنان ادامه یافت و شرکت سابق بدون هیچ دغدغه خاطر ثروت ملی ما را تا دوره چهاردهم مجلس میر بود در این دوره از طرف جماهیر شوروی برای تحصیل امتیاز نفت شمال فرصت مناسبی بدست آمد و برای اولین مرتبه صدای مظلومیت ملت ایران در مجلس شورای ملی طنین انداز گشت و بگوش جهانیان رسید.

ابنجانب با اغتنام این پیش آمد تا آنجا که میسر بود تحت عنوان مضارواگذاری امتیاز نفت شمال زیان های حاصله از قرارداد داد رسی و قرار داد ۱۹۳۳ را در مجلس شورای ملی بعرض نمایندگان محترم رسانیدم و یاد آور شدم که این قرارداد اخیر در موقمی بمجلس و مردم ایران تحمیل شده است که هیچگونه بحث و اظهار نظر نه فقط برای مردم بلکه برای نمایندگان مجلس نیز فراهم نبوده .

دلیل مهمتر از همه اینکه هیچیک از نمایندگان مجلس نظر مخالفی ابراز نداشتند و فی المجلس بتصویب رسید و از این بالاتر چنان شتاب و عجله در بتصویب رسانیدن این قرار داد بکار رفت که لایحه کمک بمعلمین با آنکه بیشتر مواد آن بتصویب رسیده بود بتقاضای وزیر مالیه وقت از دستور خارج شد و این قرار داد مطرح گشت و هر کس میتواند با مراجعه بصورت جلسات آن دوره این حقیقت را بخوبی دریابد که چگونه از محیط استبدادی و بی خبری مردم استفاده کردند و این قرارداد شوم را بملت ایران تحمیل نمودند اینها مطالبی بود که کم بیش پس از تقاضای امتیاز نفت و اگر چه شمال از طرف دولت شوروی در مجلس شورای ملی مطرح گشت . در آن هنگام جز عده معدودی از نمایندگان مجلس و ارباب جراید در این باب سخنی نگفتند و آنرا دنبال نکردند اما از این مختصر این نتیجه حاصل شد که مردم از خواب غفلت بیدار شدند و کمی دانستند که نفت یعنی این سرمایه گرانبهای ملی آنها چه ارزش دارد و چگونه برایگان از دست میرود اما این مبارزه با پایان دوره چهاردهم و موضوع تمديد این دوره را که در اواخر کار پیش آمده بود آقایان محترم بخاطر دارند بعضی از نمایندگان آن دوره بیم داشتند که بواسطه علاقه ای که قاطبه مردم کم کم برای دخالت در سر نوشت خود ابراز میداشتند بار دیگر انتخاب نشوند این بود که برخلاف قانون اساسی سخن از تمديد بمیان آوردند تمديد دوره مجلس نه تنها بر خلاف قانون اساسی بلکه صریحا مخالف افکار عمومی نیز بود .

قبل از این جریان‌ات انتخابات دوره پانزدهم نیز بر طبق ماده واحد تازمانیکه قوای خارجی در ایران اقامت داشت تحریم شده بود نظر اینجانب آن بود که با استفاده از موقع قانونی بگذرد تا هم اصلاحی در کار انتخابات بشود و هم مشروطیت برای مدت نامعلومی تعطیل نگردد و آزادی از بین نرود ولی مع‌الاصف هر قدر منتظر شدم که برای پیشرفت این نظر اصلاحی از طرف احزاب سیاسی یا طبقات اصلاح طلب تظاهری بشود و بعکس در روزهای آخر دوره از طرف احزاب دست چپ عده ای در مقابل مجلس گرد آمدند و هجوم کردند و مجلس را از کار انداختند و این عمل درست در همان موقع انجام گرفت که قبلا یکی از نمایندگان دول بزرگ گفته بود برای حسن روابط با دولت ایران فقط با دولت قوام می‌تواند وارد مذاکره شود و لا غیر.

احزاب چپ باین اتکاء جرئت پیدا کردند و از هر نوع توهین و تهدیدی نسبت بوقلاعه دوره چهاردهم خود داری نمودند تا بالاخره مجلس چهاردهم بصورتی پایان یافت که حتی برای استماع گزارش رئیس دولت که از سفر مسکو بازگشته بود نیز اکثریت حاصل نشد.

انتخابات دوره پانزدهم هم بعد از آنکه دولت به پیشرفت کاندیدهای خویش اطمینان پیدا کرد شروع گردید ولی معذالک با همه کوششهایی که بطور مستقیم و غیر مستقیم بکار رفت تا در مقابل نهضت اجتماعی ایران که بر اساس مخالفت با قرارداد نفت در شرف تکوین بود سدی ایجاد شود با عده ای از آزاد مردان وطن پرست در مجلس پانزدهم راه یافتند و بواسطه مبارزات وطن پرستانه این عده از نمایندگان بیدار مردم ایران بخوبی دریافتند که تمام بدبختی‌های آنها چه در امور سیاسی و چه در مسائل اقتصادی بر اثر اعمال شرکت سابق نفت بوده و در نتیجه چنان افکار عامه برضد این شرکت غاصب برانگیخته شد که قرارداد الحاقی با زمینه سازی‌هایی که بعمل آمده بود بتصویب مجلس پانزدهم نرسید و علاقه ای که مردم تهران در انتخابات دوره شانزدهم از خود نشان دادند و با فداکاری‌های بسیار نمایندگان خود را بمجلس فرستادند نشانه صریحی بود از توجه قطعی و میل باطنی آنها به بطلان قرار داد تحمیلی ۱۹۳۳ محققا این علاقه در تمام ایران وجود داشت منتهی در همه جا مانند تهران بواسطه عللی که موقع ذکر آن نیست مجال بروز و ظهور نیافت.

اهالی تهران نمایندگان خود را باین نیت بمجلس شورای ملی فرستادند و چه قبل و چه بعد از آن در هر تظاهری که می‌شد افرادی گرد هم جمع شده می‌آمدند همین مطلب عنوان میگشت الحق جرایدهم افکار عمومی را تقویت کردند و این رشته کشیده شد تا امروز که نهال آرزوی ملی ایرانیان بسر رسیده و انشاالله همه ملت ایران هر چه زودتر از آن متمتع خواهد شد پس هر کس بگوید تظاهرات مردم بر خلاف مصالح مملکت بوده سخت ناروا گفته است اگر مردم در امور سیاسی و اجتماعی خود دخالت

نمی‌کردند هرگز قانون ملی شدن نفت بتصویب نرسید و هرگز دولتی نمیتوانست زمامدار شود که کوچکترین اعتراضی بکار شرکت نفت بکند و دولت هر کاری بکند و مجلس هر کاری کرده است تحت حمایت افکار عمومی بوده و شك نیست که دولت و مجلسین وقتی از طرف مردم حمایت شدند می‌توانند در مصالح مملکت حرف بزنند و رای بدهند و قدم بردارند.

روزی که پس از تصویب قانون نفت باینجانب تکلیف شد تا برای اجرای آن زمامداری را قبول کنم بطیب خاطر این وظیفه سنگین را پذیرفتم در صورتیکه قبل از این هم باینجانب چنین تکلیفی شده بود ولی چون وجود خود را در مجلس بیشتر مؤثر میدانم و چنین تشخیص داده بودم که بالاخره باید مبارزه ملی ما از مجلس شروع بشود از قبول مسئولیت امتناع کردم ولیکن در این هنگام که نمره میاهدات مجلس و ملت ایران مشهود شده و میخواست جامعه عمل ببوشد یعنی در حقیقت مجلسین وظیفه خود را کماهوکه انجام داده بودند و دیگر اجرای قانون چنان که منظور قانون گذار است بدست دولت میافتاد دریغ دانستم راهی را که طی چندین سال بانهایت مشقت طی کرده‌ام پایان رسید و اجرای قانون بدست دولت های زبون و ضعیف با طمع و زر و جاه طلب بیفتد که نتوانند یا نخواهند از این فرصت مناسب بنفع مردم فقیر این کشور استفاده کنند. تنها بهمین دلیل بود که قبول چنین تکلیف دشواری را برضای خاطر پذیرفتم و در آغاز کار چنان که هر شخص بی غرض روشن بینی میتواند علت آن را بخوبی تشخیص دهد نخواستم دولتی تشکیل دهم که عملیاتش در این روزها که ما از هر جانب محتاج بوحدت کلمه و آرامش داخلی هستیم وضع کشور را در هم ریزد و منتشر کند لذا یکمده افرادی را که نیکنامی و سلامت داشتند و نظرشان فقط پیشرفت این آرزوی ملی بود به همکاری برگزیدیم زیرا یقین داشتم که با انجام این مقصود مهم سایر اصلاحات اجتماعی که البته ضروری است بتدریج و در زمانهای فارغ تر عملی خواهد شد امروز دیگر برای مردم و مجلس ایران مسأله و اغراق نیست و شاید در شماره واقعیات و بدیهیات باشد اگر گفته شود که شرکت سابق نفت سلسله جناب و علت عمل همه بدبختیهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی این کشور بوده است و یقین است که اگر دست این شرکت را کوتاه کنیم هیچ فرد و دولتی یارای آن نخواهد داشت که جریان امور را بهمین صورت سابق نگاه دارد.

امروز مردم ایران بیدار شده اند این مبارزه همینکه نتیجه رسید و انشاء الله با اتحاد و اتفاقی که هست خواهد رسید در برابر آنچه بنفع اقتصادی بر آن مقصود است دو صد چندان بنفع معنوی اجتماعی خواهد داشت زیرا مردم را هوشیار خواهد کرد و بسرنوشت خود علاقمند خواهد ساخت و جای انکسار نیست که این علاقه و توجه در حکومتهای ملی چقدر مهم و مؤثر است ملتی که افراد آن بایکدیگر متحد و باحکومت از روی ایمان و عقیده و نه از راه ترس بیم هم راه و هم فکر و هم آهنگ باشند هیچوقت مورد تعدی و تجاوز قرار نخواهد گرفت اینک می بینید شرکت سابق نفت تا

این حد توانسته است در شئون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ما مداخله کند برای آنست که تاکنون ملت ایران دست بسته تسلیم حوادث بود و بنیروی ملی که مافوق قدرتهاست توجه نداشت .

تنها درچنین موقع خطیری خدا خواست که مردم از این وادی بی خبری و بی اعتنائی بجانب حقیقت روی بیاورند ملت ایران اکنون بخوبی درک میکند که چگونه يك دولت قوی از پشت يك شركت تجارتي سر بیرون کرده و ملت ایران را بقوای نظامی خود تهدید میکند.

ملت ایران عضوی از اعضای خاندان بشریت است که تاکنون جز صلح طلبی منظوری نداشته و اگر هم امروز باین قیام ملی دست زده است فقط و فقط برای تأمین منظور است زیرا با مقدماتی که پیش آمده ممکن نیست بتوان شالوده صلح را در خاور میانه بر اساس فعلی که هر آن بیم تزلزل آن میرود استوار ساخت و بنیان نهاد اگر مقصود این است که نفت ایران کماکان برای مصرف جهان آزاد جریان داشته باشد این آرزوی ماست تا بتوانیم برای رسیدن باین مقصود میکوشیم دولت بارها اعلام داشته که قانوناً مکلف است کاری کند تاجریان نفت و فروش آن بخریداران سابق قطع نشود.

و حتی دولت اینجانب حاضر شد برای اینکه وقفه‌ئی در این امر حیاتی رخ ندهد مختصراً با گرفتن رسید نفت صادرشود ولی مسئولین شركت سابق در این راه دست بكار شكنتی عظیمی زده اند دنیا بدانند که مسؤلیت قطع جریان نفت با دولت ایران نیست ما آنچه در قوه داشتیم برای ادامه كار شركت سابق نفت انجام دادیم کارشناسان آنها را با همان حقوق و مزایا پذیرفتیم مقررات شركت سابق را تا آنجا که با قوانین ایران مغایرت نداشت تنفیذ نمودیم هرچه بود گذشت کردیم بیش از این در طاقت ما نیست و میدانیم که افکار عمومی جهان نیز بخوبی باین حقیقت پی برده است .

در مورد رای دیوان لاهه باید عرض کنم که دولت ایران همواره متکی بمقررات سازمان ملل متحد بوده و تا توانسته است از این سازمان جهانی پشتیبانی کرده و پس از این نیز همین رویه را با کمال ثبات و استقامت دنبال خواهد نمود و اگر در این مورد بقضاوت اجباری دادگاه لاهه تن در نداد از آن جهت بود که مکرر اعلام داشت دولت ایران با دولت انگلیس قراردادی منعقد نساخته و طرف دولت ایران در این قضیه يك شركت تجارتي است .

بسیار جای تعجب است دادگاه لاهه باعتراض ایران گوش فرا نداد و برخلاف اصول و اصل حاکمیت ملی ما نظری ابراز داشت و باین ترتیب عقیده و ایمان ملل کوچک را نسبت باین دستگناه داوری که باید بقوی و ضعیف بیک چشم نگاه کند سست و متزلزل نمود در جامعه بین المللی که برای حفظ صلح حق و احقاق بوجود آمده اند نباید روش کار بکیفیتی باشد که این مجامع در نظر ملل کوچک فقط وسیله‌ای برای حفظ منافع ملل بزرگ جلوه کند اگر ایمان ملل کوچک از این قبیل مجامع سلب شود تنها

خدا میداند چه نتیجه و خیمی برای صلح جهان خواهد داشت ما بر طبق اصل حاکمیت ملی گفته بودیم که فلان بازرگان چون مانع استقلال سیاسی و اقتصادی ماست بساط خود را برچیند و کشور ما را ترک کند اگر در نتیجه این تصمیم خسارتی هم باو وارد شود تعهد میکنیم که از روی انصاف رسیدگی نمائیم و بیردازیم و این حقوق اولیه هر ملتی است که در حقوق بین الملل و در منشور ملل متحد پیش بینی شده است پس اگر بدیده حقیقت بین بنگریم عدم قبول قضاوت اجباری دادگاه لاهه بیشتر نشانه علاقمندی ما بسازمانهای بین المللی است که بعضی دول بزرگ عمدا میکوشند تا آنها را در انظار جهانیان بی ارزش و آلت بلا اراده ای برای اجرای مقاصد خود نشان دهند .

درد سر ندهم اینجانب تصمیم راسخ دارم که یشتیبانی ملت ایران و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و با تقویت مجلسین بر طبق موازین قانونی اندک انحرافی بوظیفه خود با نهایت ثبات و استقامت عمل کنم و تا در این راه دشوار از برکت افکار عمومی مستفیض و بهره مند هستم از هیچ مشکلی نمی هراسم هیچگونه نگرانی حتی اگر سیاست دولت انگلستان و اعمال شرکت سابق نفت بوسائل مختلف داخلی و خارجی چنانکه اکنون پیدا است و همه شب میشنوید و می خوانید برای سقوط دولت اینجانب قوای خود را تجهیز نمایند ذره ای در مبارزه خود سست نخواهم شد زیرا یقین دارم که این مبارزه فعلا بجائی رسیده است که در هر حال و بهر صورت باید طریق طبیعی خود را طی کند و ب نتیجه برسد اکنون آفتاب عمر من بلب بام رسیده و دیر یا زود باید براهی بروم که همه ناگزیر خواهند رفت .

ولی چه زنده باشم و چه نباشم امیدوارم و بلکه یقین دارم که این آتش خاموش نخواهد شد و مردان بیدار کشور این مبارزه ملی را آنقدر دنبال میکنند تا ب نتیجه برسد اگر قرار باشد در خانه خود آزادی عمل نداشته باشیم و بیگانگان بر ما مسلط باشند و رشته ای گردن ما بگذارند و ما را بهر سوی که میخواهند بکشند مرک بر چنین زندگی ترجیح دارد و مسلم است که ملت ایران بآن سوابق درخشان تاریخی و خدماتیکه بفرهنگ و تمدن جهان کرده است هرگز زیر بار این ننگ نمی رود امروز مبارزه بزرگی را ملت ما شروع کرده است که هیچکس از ابهت آن غافل نیست البته در اینگونه جنبش های اجتماعی باید در مقابل هرگونه محرومیت ایستادگی و در برابر آن آماده بود هیچ مبارزه ای هر قدر کوچک و نا چیز باشد باسانی ب نتیجه نمیرسد تا رنج نبریم گنج میسر نمیشود در این راه سعی نا کرده بجائی نتوان رسید :

در اینکه مملکت ما در این زمان مانند مریضی است که محتاج بمعالجات میباشد حرفی نیست اگر چه اینجانب طبیب نیستم ولی مثل معروف که رنج کشیده طبیب است و سالها است که تحمل رنجوری را میکنم تا این درجه در یافته ام که معالجات بردو گونه است معالجاتی که برای قلع ماده مرض است و معالجاتیکه برای رفع عوارض بکار

نسبت به قلع ماده امراض کشور خودمان در برنامه تقدیمی دو مطلب اصلی را که بمنزله معالجات قطعی تلقی میشد گنجانیدم یکی از آنها موضوع اجرای قانون ملی شدن صنعت و خلع ید شرکت سابق نفت بود که فساد آن در مزاج مملکت متفق علیه عامه است در اجرای این مقصود تا امروز کمال جدیت و فعالیت از طرف مامورین دولت و آقایان اعضای کمیسیون مختلط بکار رفته و بطوریکه مشهود است در هیچ از مراحل عمل نه قصوری شده و نه اشتباهی روی داده است علاوه بر رضایت از نتایج عمل خود امیدواری کامل داریم که بدین سیاق بیالاترین موفقیت های که آرزومند هستیم نائل گردیم.

معالجه اساسی دوم بنظر اینجانب اصلاح قانون انتخابات میباشد که لایحه آن مطابق مقتضیات تنظیم و تقدیم شده و تصویب آن مورد انتظار عموم میباشد البته نمایندگان محترم باسلیقه و تجاربی که دارید در این باب شور خواهند فرمود و حافظ حقوق ملت و صاحب حقیقی مشروطیت نمایندگان مجلسین هستند و ناچار دولت های آینده قانون جدید انتخابات را بترتیبی که موجب اطمینان شود عملی خواهند نمود و نمایندگان با مسئولیت خود همیشه در نگاهداری اساس مشروطیت و حقوق ملت ایران کمال جدیت را خواهند داشت.

ایندولت بهیچوجه خودرا حاضر برای دخالت در امر انتخابات آینده نمیبیند. ایندولت تا زمانیکه صکار نفت خاتمه نیافته خواهد ماند.

من باحال ناتوانی از کارکناره گیری نخواهم کرد (احسن) مگر اینکه مجلسین

بن رای اعتماد ندهند ولی تا زمانیکه رای عدم اعتماد نداده اند تا پایان کار نفت خواهم ماند اگر زمانی کار نفت خدای نا خواسته طوری شد که از روز شروع انتخابات گذشت البته باین وضع دولت لایحه ای را بمجلس خواهد آورد و در انتخابات تاخیر می اندازد تا در کار نفت وقفه حاصل نشود آقایان اگر خدا نخواسته کار نفت باینجا رسید که باید تاخیر در انتخابات بشود قطع بدانید که دولت این لایحه را بمجلس میاورد و اگر آقایان تصویب کردند البته انتخابات بتاخیر می افتد (شوشتری) — در کار نفت اگر چرا میفرمائید چون اطمینان هر کس بکار خودش است و من اطمینان بوضع بین المللی نمیتوانم داشته باشم (صحیح است)

و اما معالجاتیکه برای رفع عوارض و تسکین حال مریض بکار میرود نیز از اموری است که بانتظار قلع ماده انصراف از آن ممکن نمیشد و میبایست حتما در موقع خود بدان عمل نمود چنانکه میدانید حریف خود ما یکی از طرفی که برای بزانو در آوردن دولت فعلی و ممانعت از قلع ماده امراض مملکت انتخاب کرده ایجاد مشکلات مانعی برای خزانه دولت و اقتصاد کشور است.

مشکلات فعلی از سه طریق پیدا شده یکی از آنها مشکلات ارزی است که بمناسبت عدم دریافت لیره های شرکت سابق نفت بوجود آمده و بانک ملی ایران نیز در این

خصوص طمی نامه باینجانب یادآوری نموده است که اقداماتی که تاکنون از طرف بانک بعمل آمده برای رفع این بحران احتمالی کافی نمیباشد .
 ودولت را متوجه نموده است که نسبت بحران معاملات خارجی و مخصوصاً واردات ضروری هر قدر زود تر دست بکار اقدامات مؤثرتری بشود علیهذا با مشورت متخصصین فن لایحه ای تدارک شده است که بموجب آن میتوان ازارزهای موجود در حساب پشتوانه اسکناس موقتاً و بتدریج مبالغی لیره دریافت و بوسیله آن قسمت مهمی از واردات ضروری کشور را تأمین نموده و اتفاقاً انتقال لیره های تضمینی از خارج بایران از جهات عدیده نیز قرین مصلحت میباشد .

مشکل دیگر مربوط بانجام قانون ملی شدن صنعت نفت و نگاهداری این دستگاه عظیم است که تاجریان افتادن معاملات با مشتریان سابق ناچار باید تحمیل مخارجی را نمود بدیهی است درین صراطی که برای رسیدن بآمال ملی خود انتخاب کرده ایم ناگزیر از فداکاریهای بسیار خواهیم بود و یکی از وظایف مهمی که تمام افراد مملکت عهده دار آن هستند کمکهای مالی بخزانة دولت میباشد .

خوشبختانه ملت ایران با ابراز احساسات وطن خواهانه در این ایام اخیر مدلل داشته است که هنگام عسرت تا آنجا که مقدورش باشد از هرگونه مساعدت بادولتی که مورد اعتماد اوست دریغ نخواهد داشت چنانکه از ابتدای شروع بعملیات خلع بد جمع کثیری بوسائل گوناگون قسمتی از دارائی و مایملک خود را با کمال شوق و رغبت باختیار دولت میگذاشتند و اینجانب با عرض تشکر تقاضا نمودم که عاجلاً تأمل نمایند تا در موقع لزوم بترتیبی که مناسب باشد از این مساعدت های فردی و جمعی استفاده کنیم .

نظر باین که تا موقع بجزریان افتادن معاملات نفت با مشتریان خارجی مخارج لازم را باید کاملاً تأمین نمود و عایدات فعلی دولت کفایتی برای انجام اینکار نیست با اعتماد بعواطف و احساسات عمومی لایحه ای تدوین شده که بموجب آن مبلغ دو میلیارد ریال از داخله کشور استقراض شود این لایحه نیز تقدیم میگردد .

در این ضمن بنظر رسید که برای رفع اشکالات حاصله از بیکاری و ایجاد وسائل توسعه امور تولیدی باید اقدامات سریع تری بعمل آید لهذا در دنبال مذاکرات سابقه با بانک صادرات و واردات امریکا مجدداً صحبت شده است که اعتباری بمبلغ ۲۵ میلیون دلار که دوره استهلاكش ۱۵ سال طول خواهد کشید برای خرید ماشین آلات کشاورزی و راه سازی گرفته و بخرید و حمل آن ماشین آلات زودتر اقدام شود تا بوسیله فروش و توزیع آنها بین کشاورزان نیز تولید اقسام محصولات مخصوصاً چغندر و پنبه بالا رفته و از حجم واردات قند و شکر کاسته و بر میزان صادرات پنبه و سایر محصولات کشاورزی افزوده گردد .

مایه بسی خرسندی است که این اعتبار بمصارف غیر تولیدی مآتد خرید اسلحه و امثال آن نخواهد رسید و مخصوص است باموری که منافع آن عمومی بوده و نتیجتاً بمقدار تولیدی را بمیزان معتنا بهی بالا میرسد .

اگر چه تقاضای فوریت نسبت باین لوایح تاحدی واجب مینمود ولی برای اینکه آقایان نمایندگان فرصت کامل داشته باشند تا بطوریکه شاید و باید در اطراف این موضوعات مطالعات نمایند بطور عادی تقدیم گردید البته انتظار دارد که هر چه زودتر مورد تصویب قرار گیرد که حصول مقصود وصول بمقصد در صورتیکه در ارکان اراده ملت تزلزل پیدا نشود و سعی بیگانگان بجائی برسد و یقین است که نخواهد شد و نخواهد رسید حتی و قطعی و مسلم خواهد بود حریف میکوشد تا در مبانی این وحدت بی سابقه ملی خللی ایجاد کند همه باید دست بدست هم بدهیم و نگذاریم این حریف حيله گر بمقصد برسد اطمینان داشته باشید که دنیای آزاد پشتیبان ماست و نام ایران در این مبارزه قرین افتخار و سربلندی خواهد شد .

در خاتمه خواستم مطلبی را عرض کنم و آن چیزی است که ۵۰ سال قبل دیده ام . آنهم از آدمی که بکلی از سیاست بی اطلاع بود . در نزدیک شهر این قلعه مرغی ملك موروثی من بود و باملك میجاور آن که «چی» هست اختلاف اراضی داشتیم در ملك من دو دسته رعیت بودند که باهم مخالف بودند و روزی که من یکدسته را مأمور کار میکردم دسته دیگر سر کار نیرفت تا اینکه درباره این زمین مورد اختلاف مذاکراتی شد و این رعایا گفتند آنوقت که ارباب بما میگفت درده کار کنید و ما از نظر رقابت یکدسته میرفتیم و یکدسته نیرفتیم آن مسئله ده خود ما بود .

اما حالا که اختلاف سرزمین است که مربوط باین ده نیست ما باید همه ملتفت باشیم که این زمین مایه قوت و زندگی ماست و باید همه متحد باشیم و بامر ارباب برویم و مبارزه کنیم .

وقتی يك رعیتی که هیچ اطلاع از سیاست ندارد وقتی که اختلاف ایجاد شده بود . چنین احساساتی برای اتحاد و اتفاق ابراز میکرد نباید انتظار داشت که مجلسین شورای ملی و سنا و جراید این مملکت موقعی که این دولت اختلافاتی دارد و باید عوایدی را که بهمه باید برسد اخذ کند اختلاف را بزبان بیاورند .

من نمیگویم در این دولت کارهای خلاف نمیشود خیر بنده بارها گفته ام که اینکار سرآمد تمام کارها و اصلاحات است و اگر اینکار شد ملت ایران بهمه چیز خواهد رسید . اصلاح محتاج بیول است و آقایان شاهدند که غالب اوقات دولت صرف کارهایی میشود که در نتیجه بیکاری پیش آمده است . مثلا مدتی وقت دولت صرف کارخانجات اصفهان و آذربایجان شد که تعطیل شده بودند .

هر اصلاحی محتاج بیول است و اصلاح این نیست که يك وزیر عده ای را عوض یا جا بجا کند شما اعتبار و سرمایه ای داشته باشید . و در بودجه مملکت مخارج تولیدی پیش بینی کنید و مردم را بکار و اداری کنید مردم خودشان با اختیار از ادارات دولتی بیرون میروند و کار خارج میکنند . اگر مردم امروز رو بادارات آورده اند از بیچارگی است . ما باید این وجه را از این شرکت بگیریم . غیر از اینکه شرکت در کارهای سیاسی و اجتماعی ما دخالت های ناروا داشته و اسناد مربوط با بن دخالتها هم جمع آوری .

شده و موجود است و اگر روزی دولت انگلیس از ایران بسازمان ملل متحد شکایت کرد آنروز این اسناد را که ثابت خواهد کرد که شرکت سابق چقدر در شئون این مملکت دخالت های شوم و ناروا کرده است ارائه خواهیم داد تا ملل آزاد جهان بحقیقت قضاوت کنند آن اسناد برای هموطنان ما تهیه نشده بلکه آن اسناد برای آنروزی است که اگر انگلستان بسازمان ملل متحد شکایت کرد آنها را ارائه دهیم تا همه بدانند که این ملت بیچاره چگونه در عرض پنجاه سال برای این شرکت همه چیزش را از دست داده است ، بهرحال آقایان این اسناد برای مردم این مملکت جمع نشده است .
بنده عرض میکنم خوبست آقایان این مطالب را که ایجاد اختلاف میکنند در مجلس نگویند .

البته نمیخواهم عرض کنم که چون نفت مطرح است کار های غلط باید بشود . خیر باید هم کار صحیح بشود و هم کار نفت جلو برود (شوشتری - آقای دکتر اختلاف بد است . موجبش را جلوگیری کنید)

هر قدر که در مجلس تشنج شود این امر خدمت بشرکت نفت است اگر آقایان میل داشته باشید هفته ای یک یا دو روز یک کمیسیون از معاونین وزارت خانه ها در این مجلس تشکیل میدهیم تا آقایان مطالب خود را درین کمیسیون بگویند . بنده هیچ میل ندارم که اگر آقایان نظری راجع بحوزه انتخابیه خود و اصلاحات آن نقاط دارند عملی نشود اما آقایان مجلس را متشنج نکنید در مجلس همه با وحدت کامل از این دولت پشتیبانی کنید و هر روزی هم که صلاح ندیدید این دولت باشد اول مشورت کنید بعد با یک رأی عدم اعتماد این دولت را ساقط کنید بنده هم خدا میداند متشکر میشوم زیرا هیچ میل ندارم که با این ضعف و مرض کار بکنم ولی این وظیفه ملی است که مرا بکار و میدارد .

بنده معاونین وزارتخانه ها را مکلف میکنم که هر روز که آقایان میخواهند کمیسیون خود را در مجلس تشکیل بدهند حاضر شوند و جواب مطالب آقایان را بدهند . اگر جواب قانع کننده ندادند آقایان بخود بنده رجوع کنند و اگر خود بنده هم رسیدگی نکردم آنوقت در مجلس شورای ملی بیایید و آن مطالب را بگوئید این کار هم وقت مجلس را نیگیرد و هم شما در جامعه مشهور نمیشوید که با دولتی که با شرکت نفت مبارزه میکند مبارزه کرده و یا کارشکنی می نمایند . خدا میداند که این عرایض را برای شما عرض کردم نه برای خودم .

پیام مستر ترومن رئیس جمهور امریکا
توسط مستر هریمن به نخست وزیر ایران
در تاریخ ۲۳ آیر ماه ۱۳۳۰

۱۳ ژوئیه ۱۹۵۱ از کاخ ایبض واشنگتن

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر ایران

بدینوسیله جناب آقای اورل هریمن را بجناب عالی معرفی مینماید. ایشان بعنوان نماینده شخص اینجانب از ایران دیدن میکنند بمنظور اینکه در باب مشکلاتی که بین ایران و بریتانیا در موضوع صنعت نفت پیش آمده با شما مذاکره نمایند.

بطوریکه ضمن پیام اخیر خود اشعار داشتم آقای هریمن یکی از نزدیکترین همکاران اینجانب و یکی از برجسته ترین افراد کشور ما است. ایشان مورد اعتماد کامل اینجانب بوده و نتایج مذاکرات خود را با شما مستقیماً باینجانب گزارش خواهد داد.

نظریات آقای هریمن که شما میتوانید آنرا بمنزله نظریات خود اینجانب تلقی نمائید باین منظور طرح خواهد شد که دروضع مشکل کنونی بزرگترین کمک ممکنه را در برداشته باشد.

هاری - اس - ترومن

پیام مستر ترومن رئیس جمهور امریکا
توسط مستر هرین به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
در تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۰

کاخ سفید ۱۷ ژوئیه ۱۹۵۱

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

بدین وسیله جناب آقای هاریمان نماینده شخصی خود را حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی معرفی نموده و از ایشان خواستار شده ام که سفری بکشور ایران نموده و با اولیای دولت شاهنشاهی ایران راجع بوضع سخت فعلی که بواسطه اختلاف نظر در مسئله نفت بین ایران و بریتانیای کبیر ایجاد شده مذاکره نماید.

آقای هاریمان نتیجه مذاکرات خود را در مراجعت باین کشور مستقیماً باینجناب گزارش خواهد داد چنانچه خاطر مبارک اعلیحضرت همایونی استحضار دارد آقای هاریمان یکی از برجسته ترین افراد کشور ما بوده و مورد اعتماد کامل اینجناب میباشد. نظریه ای که ایشان بدولت شاهنشاهی ابراز میدارند بیینه مثل نظریات شخص

اینجناب میتوانند تلقی فرمایند اینجناب مطمئنم که اعلیحضرت همایونی و دولت شاهنشاهی آقای هاریمان را علاقمند و شایق نسبت بقضایا و آرزوهای ایران تشخیص داده و تبادل نظر های مفیدی از طرفین انجام خواهد گرفت از فرصت استفاده کرده از اعلیحضرت همایون اجازه میخواهم مراتب خوشوقتی خود را از سلامت وجود و بهبود سریع اعلیحضرت ابراز داشته و تبریکات دوستانه و صمیمانه خود را تقدیم دارم.

با تقدیم ادعیه خالصانه - هاری - اس - ترومن

سئوالات آقای مدیر مجله
 « اخبار آمریکا و گزارش دنیا »
 با آقای نخست وزیر ایران
 بتاريخ ۴۵ تیر ماه ۱۳۳۰

ما با آقای علیقلی نبیل مذاکره نمودیم راجع با مکان بدست آوردن يك مصاحبه با آقای نخست وزیر برای درج در مجله خودمان موسوم به :
 (اخبار آمریکا و گزارش دنیا) . بنظر ما این مصاحبه كمك خواهد کرد باینکه ملت آمریکا از مسائل مربوط به اختلاف راجع بنفت اطلاع حاصل نماید . قصد ما این است که متن کامل این مصاحبه را در همان موقع که مصاحبه در مجله خودمان درج میشود در کلیه مطبوعات آمریکا منتشر نمائیم . پیشنهاد میکنیم که شما جواب نخست وزیر را بسئوالات ذیل تلگرافاً بما مخابره نمایند — بعد از آن ما سعی خواهیم کرد مصاحبه مزبور را بوسیله رادیو تلفن و ارتباط مستقیم با نخست وزیر تکمیل نمائیم تا اینکه بدینطریق عمل ما تأثیر بیشتری داشته باشد .
 اینست سئوالاتی که بسیاری از مردم آمریکا مینمایند .

- ۱ - مردم میپرسند آیا دولت ایران غرامت کامل برای خسارت شرکت خواهد پرداخت یا نه میزان این غرامت چگونه تشخیص داده خواهد شد - آیا بوسیله یک کمیته بین‌المللی یا کمیسیون حکمیت؟
- ۲ - آیا فرض ما صحیح است که قانون ملی شدن مسترد نخواهد شد و سیاست ایران این خواهد بود که بعد از این دستگاه نفت را خود دولت اداره نماید؟
- ۳ - آیا در آینده دولت ایران منحصر اکارمندان انگلیسی را بکار خواهد برد یا از کارمندان آمریکایی و سایرین استفاده خواهد کرد؟
- ۴ - اینطور تخمین شده است که کمپانی انگلیسی بمبلغ ۶۰۰ میلیون دلار ارزش دارد. آیا شما تصور میکنید این تخمین درست است - در صورت منفی بنظر شما ارزش کمپانی انگلیس در ایران چه مبلغ است؟
- ۵ - آیا دولت ایران کشتیهای حامل نفت اکتیاع خواهد نمود یا از کشتیهای حامل نفت متعلق بکشورهای خارجه برای توزیع نفت استفاده خواهد کرد؟
- ۶ - آیا بنظر شما ملی شدن (صنعت نفت در ایران) سابقه خواهد شد برای دولتهای خاور میانه که تمام دستگاههای نفت راملی کنند؟
- ۷ - آیا نفت (ایران) به تمام کشورها شامل روسیه بدون تبعیض فروخته خواهد شد؟
- ۸ - در صورتیکه ملی شدن نفت در ایران بعنوان اساس تولید نفت در خاورمیانه پذیرفته شود چه فرصتی بکمپانیهای نفت آمریکا برای بکار بردن امتیازات در سایر کشورها داده خواهد شد؟
- ۹ - منشاء نهضتی که ملی شدن صنایع نفت در ایران گردیده چه بوده است؟ آیا منشاء آن احساسات وطن پرستی بوده یا احتیاج اقتصادی یا نظریات سیاسی؟
- ۱۰ - فعالیت برای ملی شدن از چند سال قبل یا بنظر طرف وجود داشته؟
- ۱۱ - آیا بنظر شما کمونیست‌ها از این مناقشه راجع بنفت برای تحریک افکار عمومی در ایران استفاده میکردند یا نه؟
- ۱۲ - همدردی و تمایلات ملت ایران نسبت بشرق متوجه است یا بغرب؟
- ۱۳ - آیا ایران انتظار دارد چگونه مساعدتهای آمریکا میتواند بنماید با دولت شما برای بکار انداختن منابع ثروت ایران؟
- ۱۴ - چه کمک‌هایی میتواند آمریکا بنماید در حل اختلاف راجع بنفت بفرض اینکه موضوع ملی شدن را یک کار انجام یافته و غیر قابل برگشت محسوب نمایم؟
- ۱۵ - چه کمک‌هایی میتواند دولت آمریکا بنماید و چه کمک‌هایی شما پیشنهاد مینمایید که کمپانیهای آمریکائی بنمایند؟
- ۱۶ - سابقاً مذاکره ای در میان بود برای پرداخت قرضه ۲۵۰ میلیون دلار بایران از طرف بانک بین‌المللی. آیا شما عقیده دارید که انجام این قرضه برای اجرای نقشه معروف به برنامه هفت ساله در این موقع مطلوب است یا نه!

۱۷ — چه علت داشت که برنامه هفت ساله در ماه های اخیر موقوف الاجرا گذاشته شده است ؟

۱۸ — نظر شما راجع باعزام کشتیهای جنگی انگلیس بخلیج فارس چیست و نظر ایرانیان راجع باخبار واصله مربوط بشار نظامی (انگلیسها) چه میباشد ؟

۱۹ — چه اقداماتی میشود نمود برای بهبودی مناسبات بین بریتانیای کبیر و ایران ؟

۲۰ — آیا در ایران احساسات ضد آمریکائی وجود دارد ؟

۲۱ — منشاء یا دلیل حملاتی که اخیراً در مطبوعات ایران نسبت با آمریکا میشود چیست ؟

سؤالات فوق را محرمانه تسلیم دکتر نیل کرده ایم و عقیده مشارالیه اینست که جواب بانها كمك بسیار خواهد بود برای اینکه ذهن آمریکائیان در این اختلافات روشن شود .

مشارالیه پیشنهاد نموده که ما در این خصوص مستقیماً بشما تلگراف نمائیم و ایشان نیز اظهار میدارند که با مسرت حاضر خواهند بود بعنوان مترجم دخالت نمایند و قتیکه ترتیب مکالمه بوسیله رادیو تلفن داده میشود . خواهشمندیم که هیچیک از اطلاعات مندرجه در فوق به مطبوعات ایران داده نشود مگر بعد از انتشار آنها در آمریکا .
هاوارد فلیچر مدیر مجله یونایتد استیتس نیوززاند وولد ریپورت (مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا)

جواب آقای نخست وزیر بمسئولات مدیر مجله اخبار آمریکا و گزارش دنیا

۱ — برای تامین مدعا به احتمالی شرکت در قانون پیش بینی شده که تا ۲۵ درصد عوائد پانک مرضی الطرفینی سپرده شود و این ۲۵ در صد مطابق بهره برداری سال اخیر از سالی ۷۰ میلیون دلار متجاوز است . میزان حقوق حقه شرکت بر اساس اصول متداوله دنیای امروز و با توجه بدعاوی و حقوق طرفین تعیین خواهد گردید .

۲ — بلی صحیح است . البته دولت برای تکمیل بهره برداری از متخصصین خارجی استفاده خواهد کرد .

۳ - نسبت بکارمندان و کارشناسان فنی اصولاً دولت ایران مانعی نمی بیند که از کارشناسان فعلی شرکت سابق نفت از هر ملیت که باشند استفاده نماید. البته در صورت لزوم (مثلاً هرگاه کارشناسان فعلی از ادامه خدمت امتناع ورزند) همچنین در صورت ضرورت از کارشناسان کشور های دیگر همانطور که شرکت سابق هم عمل می کرده است استفاده خواهد نمود.

۴ - در باب ارزش تخمینهای مختلفی هست ولی قبل از رسیدگی کامل و دقیق محاسباتی نمیتوان اظهار نظر کنم.

۵ - دولت ایران از هر وسیله و طریقی که ممکن باشد برای حمل نفت استفاده خواهد کرد.

۶ - هر ملتی منافع و مصالح خود را خودش باید تشخیص دهد.

۷ - بموجب ماده ۷ قانون اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (آوریل ۱۹۵۱) نفت ایران بخیریداران سابق فروخته خواهد شد مگر آنکه خریداران سابق از خریداری نفت سهمیه خود خودداری نمایند و البته در اینصورت دولت ایران اجباراً بفروش نفت خود بهر کشوری که خریدار آن باشد تن در خواهد داد.

۸ - در صورتیکه اصول آزادی اقتصادی که از هدفهای منشور ملل متحد هست تعمیم و تأمین بشود از این جهات دیگر جای نگرانی باقی نخواهد ماند.

۹ - بدون تردید هر سه عامل در کار بوده ولی میتوان گفت که پیش از هر چیز دخالت های نامشروع شرکت سابق نفت در کلیه شئون سیاسی و اقتصادی کشور ایران و نیز خودداری از پرداخت سهم عادلانه بملت ایران باعث اتخاذ این تصمیم بوده است.

۱۰ - از اوایل مشروطیت یعنی از سال ۱۹۰۶ زمزمه استقلال اقتصادی و خاتمه دادن بنفوذ های نامشروع بیگانگان در ایران آغاز و رفته رفته وسعت یافته است. اما موضوع ملی شدن صنعت نفت که چاره منحصر بفرد برای جلوگیری مداخلات غیر قانونی و نامشروع شرکت سابق نفت در امور داخلی ایران بوده بعد از تخلیه ایران از قوای خارجی متعاقب جنگ دوم بین المللی مطرح شد و قوت گرفت بطوریکه امروز تمام افراد ملت ایران پشتیبان آنند.

۱۱ - این نکته مسلم است که دستجات افراطی برای توسعه نفوذ همیشه دنبال وضع غیرعادی و آشفته میگردند و ناچار هر قدر مرافعه بیشتر طول بکشد زمینه بیشتری برای استفاده آنان فراهم میشود. بدیهی است ادامه فشار هائی از قبیل امتناع شرکت از تأدیه وجوه متعلق بایران و تهدید باعزام نیرو و آوردن کشتیهای جنگی به آب های مجاور ایران و فراهم آوردن موجباتی برای جلوگیری از صدور نفت بایجاد ناراضیاتی کمک خواهد کرد.

۱۲ - ملت ایران که در جنگ اخیر سهم بزرگی در مبارزه علیه بیدادگری و پیروزی جبهه دموکراسی برعهده داشت از بدو تشکیل سازمان ملل متحد همواره طرفدار همکاری و همراهی بین المللی بوده است و اکنون نیز صمیمانه امیدوار است ملل بزرگ

و كوچك جهان طبق آمال و منشور ملل متحد بتواند آزادانه و بدون بيم و هراس در کنار هم زندگي كنند و بر اساس آزادي و دموكراسي سطح زندگي و فرهنگ افراد خود را بالا ببرند .

۱۳ - در صورتيكه از طرف ديگران در امر ملي شدن صنعت نفت ايران و صدور آن اشكالاتي نشود بمرور از كمكهاي اقتصادي نسبتاً بي نياز خواهد شد . ولي در هر صورت ايران براي بالا بردن سطح زندگي افراد خود از هر نوع مساعدت آمريكا استقبال خواهد كرد .

۱۴ - دولت آمريكا با توجه با حساسات آزادمنشانه ملت خود و انتظارات مشروع ملت ايران ميتواند در راه اجرائ قطعي اصلي ملي شدن صنعت نفت و حل اختلافات نفوذ معنوي خود را بكار برده و از تضيقاتي كه نسبت بما وارد ميشود جلوگيري نمايد .

۱۵ - كمپاني هاي آمريكائي در صورت امتناع احتمالي كارشناسان انگليسي از خدمت در شركت ملي نفت ايران ميتوانند با كمكهاي فني لازم و در اختيار گذاردن تعداد كافي كارشناسان فني و همچنين كمك در امر حمل و نقل نفت ايران بکشورهاي خريدار سابق نفت ما از وقفه اين صنعت بزرگ كه قطعاً بضرر دنياي غربي است جلوگيري كنند . و دولت آمريكا هم ميتواند كمپاني هاي آمريكائي را در اين راه تشويق نمايد .

۱۶ - براي اجرائ برنامه هفت ساله از كمك بانك بين المللي همانطور كه قانون برنامه پيش بيني كرده استفاده خواهد شد .

۱۷ - برنامه هفت ساله موقوف الاجرا نشده ولي بواسطه نرسيدن عايدات و ضيق مالي فعاليتش محدود شده است و ما اميدواريم در آتیه نزديك كار برنامه كه براي توسعه و عمران کشور است براه بيقند .

۱۸ - با كمال تأسف بايد بگويم ملت ايران از اين عمل انگليسيها بي نهايت آزرده است زيرا اين اقدام در نظر ملت ايران يكنوع عمل تحريك آميز (پرووكاسيون) كه به سياستهاي كهنة استعماري بيشرشيه است تا به سياست جديدي كه روي مباني منشور ملل متحد استوار باشد .

۱۹ - دولت ايران هيچگونه روابط خصومت آميز با دولت بریتانیای کبیر ندارد و بالعكس طرفدار ادامه و تقويت دوستي است ما با يك شركت خصوصي طرف هستيم و با دولت انگليس طرفيتي نداريم و نسبت بشركت هم ابدأ در نظر نداريم حقوق و مطالبات آنرا پايمال كنيم . هرگونه اقدام براي بهبود روابط ما با دولت و ملت انگلستان عين مطلوب ما است .

۲۰ - دولت و ملت آمريكادر گذشته نشان داده اند كه نه خود سياست استعماري دارند و نه اين سياست را از ديگران ميپسندند ايرانيان مردم امريكارا حامی حق و عدالت و آزادي ملل ميشناسند و طرفدار توسعه روابط دوستانه با آمريكا هستند .

۲۱ - متأسفانه قسمت مهمي از اين حملات بتحريك ابادي خارجي صورت ميگيرد و بي پرده بايد گفت كه شركت سابق نفت در اين تحريك سهم بزرگي دارد ولي مطبوعاتي

هستند که صمیمانه رنجش خود را از اینکه گاهی مفهوم واقعی مبارزه فعلی ملت ایران برای اعمال حق مشروع حاکمیت خود در بعضی از مطبوعات آمریکا خوب درک نشده است پنهان نمایند بطور کلی اساس آن قسمت از اعتراضاتی که صمیمانه صورت میگیرد اینست که چرا مطبوعات در کشور آزاد آمریکا باید از يك شرکت استشارگر که مورد بغض و خشم تمام افراد ملت ایران است دفاع کنند .

با وجود این باید توجه داشته باشید که در مطبوعات ایران بندرت نسبت با آمریکا حمله میشود و غالباً این مطبوعات احساسات صمیمانه و علاقمندانه ایران را نسبت بملت آمریکا منعکس میکنند .

گزارش تاریخیچه نفت جنوب ایران که از طرف شرکت نفت ملی ایران بآقای آورل هریمن فرستاده مخصوص جناب ترومن رئیس جمهور آمریکا تقدیم شده است

در سال ۱۰۹۱ یعنی ۵ سال قبل از مشروطیت ایران طبق امتیاز نامه ای بهره برداری از منابع نفتی تمام خاک ایران با استثنای پنج ایالت شمالی برای مدت ۶۰ سال بشرط اینکه در فاصله دو سال از تاریخ امتیاز اولین شرکت برای اقدام بعملیات تشکیل شود به داری نامی از اهل استرالیا واگذار گردید. صاحب امتیاز حق انحصاری استخراج نفت و حمل و نقل و تصفیه و فروش نفت و لوله کشی تا خلیج فارس را بدست آورد و علاوه دولت ایران قبول کرده بود که زمینهای مورد نیاز را که بایر و متعلق بدولت باشد مجاناً و زمینهای دیگر را خواه دولتی و خواه شخصی بقیمت عادلانه در اختیار صاحب امتیاز بگذارد و ضمناً دولت ایران تعهد نموده بود که اراضی و محصولات شرکت از هر نوع مالیات و عوارض معاف بوده و آلات و ادوات تفتیش و تفحص و استخراج و وسایل لوله کشی بهیچ وجه حقوق گمرکی نپردازند.

علاوه بصاحب امتیاز اجازه داده شده بود که يك یا چند شرکت بشرط آنکه اساسنامه و سرمایه و محل کار شرکت با اطلاع دولت ایران برسد تشکیل دهد. شرکتهای مربوطه دارای همان حقوق صاحب امتیاز و همان تعهدات و مسئولیت ها هستند.

شرکتها ۱۶ در صد منافع سالیانه خود را بدولت ایران پرداخت مینمایند. دولت ایران متعهد میشود که حفظ امنیت و محافظت مایملک شرکت را به عهده گرفته و همینکه این وظیفه را انجام نمود شرکتها و صاحب امتیاز بهیچ اسم و رسم حق مطالبه خسارت ندارند شرکت متعهد است کارگران را منحصرأ از افراد ایرانی انتخاب نماید.

در اقتضای مدت امتیاز کلیه مایملک شرکت متعلق بایران خواهد بود در صورت ایجاد اختلاف موضوع بدو حکم در تهران که خودسر حکمی انتخاب خواهند نمود مراجعه خواهد شد.

دولت ایران حق خواهد داشت برای حفظ حقوق خود با صاحب امتیاز هر گونه تفتیشی که مفید بداند بعمل آورد.

با وجود آنکه حق رسیدگی بحساب صریحاً بدولت ایران داده شده و حکمیت الزامی بوده و سهم بودن ایران در منافع کلیه شرکتهای اکتشاف و استخراج و تصفیه و حمل و نقل و فروش محرز بوده و بالاخره با وجود اینکه پس از انجام وظایف استحقاقی دولت ایران از پرداخت هر گونه غرامتی معاف بوده است مع ذلک:

۱ - هیچ وقت صاحب امتیاز اجازه رسیدگی بحسابها را بدولت ایران نداده است.

۲ - هیچ وقت صاحب امتیاز تن باجرا بحکمیت بوسیله دو حکم یا سه حکم در تهران نداده است.

۳ - قسط از عواید شرکت های استخراج و تصفیه نفت در ایران آنهم با حساب سازهایی خاصی سهمی بدولت ایران داده شده است.

۴ - بجای ۱۶ در صد از منافع همین شرکتها هم فقط ۱۳ در صد از منافع خالص پرداخت شده و ۳ در صد آنرا بجای پرداخت بدولت ایران بعنوان حق الارض بصاحبان اراضی (که طبق امتیاز نامه میبایستی زمینهای آنها را خود شرکت خریداری کند) پرداخت نموده است.

۵ - به بهانه بریده شدن لوله در چنک بین الملل اول که به تحریک ترکها و در اثر فرس ماژور بوده است از ۱۹۱۶ که شروع بتوزیع منافع شده تا ۱۹۲۰ هیچگونه سهمی بدولت ایران پرداخت نشده و خسارت ناچیز قطع لوله را که به عهده ایران نبوده است تا میزان چهارصد هزار لیره بالا برده سعی شده است غرامت ادعائی را بر خلاف صریح امتیاز نامه به حساب ایران بگذارد.

۶ - سهم دولت ایران از منافع شرکتهای اکتشافی و حمل و نقل و فر

در ایران و خارج بهیچ وجه پرداخت نشده است.

خلاصه اینکه شرکت به تعهدات خود عمل ننموده و همواره مزاحمت دولت ایران را فراهم کرده و بیش از نیمی از سهم دولت ایران در منافع را نپرداخته است و کلمه منافع را نیز که در امتیاز نامه مطلق قید شده است بمعنای منافع خالص آنهم بر اساس مبلغی که خود قلمداد مینمود تغییر کرده است .

با وجودیکه دولت ایران بیک نفر استرالیایی امتیاز داده بوداز ۱۹۱۴ به بعد دولت انگلیس با در دست گرفتن ۵۶ درصد سهام همواره زمام امور شرکت را علی رغم تمایلات ملت ایران در دست گرفته و به انعقاد های قرار دادهای طویل المدت نفت مصرفی دریا داری خود را بقیمتی بین ۱۸ تا ۳۰ شلینگ که بستگی بمیزان سود قابل تقسیم شرکت داشته است خریداری نموده و از این راه نیز خسارت بزرگی از نظر اقتصادی و سیاسی بدولت ایران وارد آورده است .

بالاخره از سال ۱۹۱۸ بتوصیه مشاورین حقوقی و با توجه با اهمیت نفت ایران برای دولت انگلیس شرکت سابق نفت در صدد زمینه سازی برای تمدید مدت امتیاز بر آمده است .

در سال ۱۹۳۰ قانون مالیات بر درآمد برای اولین بار در ایران وضع گردید و شرکت که از پرداخت مالیات بر درآمد معاف نبوده مدت دو سال از پرداخت مالیات خودداری نموده و برای اینکه عرصه را بدولت ایسران تنگ تر کند سهمیه ایران از منافع را نیز (که در اثر بحران اقتصادی و تنزل قیمت نفت بمیزان قابل توجهی نقصان هم یافته بود) نپرداخت و این عمل منجر بالتاء یکطرفه امتیاز نامه داری که نهایت آرزوی شرکت نفت بمنظور زمینه سازی برای تمدید مدت مورد نظر بود گردید .

توضیح آنکه فشارهای سیاسی و تحریکات داخلی واعزام کشتیهای جنگی بخلیج فارس که توجه بقدرت دولت انگلستان در سال ۱۹۳۲ دولت ایران را بکلی مرعوب نموده بود شرکت سابق نفت موفقیت حاصل نمود که قرار داد جدیدی در آوریل ۱۹۳۳ بدولت ایران تحمیل نماید.

قرار داد ۱۹۳۳ با آنکه برحسب ظاهر عواید ایران را در سال انعقاد دو برابر کرده بود ولی مواد آن نوعی تنظیم شده که با استفاده از تفسیر های ناروا و یا تخلف از اجراء مواد آن شرکت نفت موفق شد حقوقی بدولت ایران بپردازد که میزان آن در سال ۱۸ سالی که از اجرای قرار داد میگذرد نصف عوایدی گردید که در صورت اجرای قرار داد داری و با توجه بعدم معافیت شرکت از پرداخت مالیات بر در آمد عاید کشور ایران میشد.

مشخصات و نتایج قرار داد ۱۹۳۳

قرار داد ۱۹۳۳ نوعی تنظیم شده است که در صورتیکه اجراء آن ادامه میافت مواد و تفسیر های دیگری که بضرر ملت ایران بود و شرکت سابق نفت میتواند با استناد آنها بدبختیهای اقتصادی دیگری برای ما فراهم آورد در آن وجود

داشت ولی چون تاکنون از آنها استفاده نشده است ذکر آنها با وجود اهمیت زیادی که دارد مورد ندارد و ما فقط بذکر یک مورد آن اکتفا میکنیم .

ضمن ماده ۲۰ شرکت سابق حق داده شده است که حتی در سالهای آخر عمر خود بتواند زمینها و تأسیسات غیر منقول خود را بشرکتهای تابعه بفروشد و چون شرکت در تغییر اساسنامه خود و اساسنامه شرکتهای تابعه هیچوقت حاضر نشده است جلب نظر دولت ایران را با وجود اعتراضات مکرری که شده بنماید شرکت سابق پس از فروش مابملک خود بشرکتهای تابعه خواهد توانست که با تغییر اساسنامه آن شرکتهای را از صورت شرکت تابعه خارج کند و بدین ترتیب قسمتی از آنچه را که بایستی در انتهای امتیاز مجاناً بدولت ایران تسلیم نماید از چنگ دولت ایران خارج و مارا مجبور نماید که تمامی آنها را بقیمت عادله از شرکت تابعه سابق شرکت سابق نفت خریداری کنیم.

مزیت های ظاهری قرار داد ۱۹۳۳

- ۱ - در قرار داد ۱۹۳۳ وسعت حوزه امتیازی از ۴۰۰ هزار میل مربع به ۱۰۰۰ هزار میل مربع که ۵ سال برای انتخاب آن شرکت وقت داده شده است تقلیل میابد .
- ۲ - دولت ایران که در ۱۶ درصد عوائد کلیه شرکتهای اکتشاف - استخراج - تصفیه حمل و نقل و فروش طبق مدلول حقیقی امتیاز داری سپیم بوده و فقط در ۲۰ درصد عوائد شرکت ها سپیم گردیده و بطور غیر مستقیم در عوائد شرکت های تابعه و متعده که تماماً قسمتی از سرمایه آنها متعلق بشرکت سابق بوده و آن سرمایه ها از محل عواید نفت ما تأمین میشده شریک گردیده است .
- ۳ - علاوه بر ۲۰ درصد منافع دولت ایران برای هر تن نفت فروش رفته حق الامتیاز و مالیاتی بین چهارونیم تا پنج شلینگ تضمین شده بظلاً دریافت میداشته و با این ترتیب حق ایران در دریافت مالیات بر در آمد طبق مدلول قرار داد داری نیز شناخته شده است .
- ۴ - حق انحصاری لوله کشی نفت بخلیج فارس از دست شرکت خارج گردیده است .
- ۵ - کمپانی تعهد نموده جمیع وسائل معمول و مناسب را برای تأمین صرفه جوئی و استفاده کامل از عملیات خود و حفظ مخازن تحت الارضی بکار برده و اقدام بهیچ عمل و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت ایران باشد ننماید .
- ۶ - کمپانی تعهد مینماید که تمامی مدارک و طرها و نقشه های مهم را بصورت محرمانه در اختیار دولت ایران بگذارد .
- ۷ - کمپانی تعهد مینماید سالیانه فقط ده هزار لیره برای اعزام محصلین ایرانی باروپا تخصیص دهد و بعلاوه متعهد است که از تعداد کار شناسان خارجی بطور تصاعدی کاسته و بجای آنها از اتباع ایران بگمارد .
- ۸ - کمپانی ایجاد وسائل صحیح کار مندان و کارگران خود را مطابق

جدید ترین طریقه معمول در ایران بعهده میگردد .
این بود مزیت های قرار داد ۱۹۳۳ که اکثر آنها ظاهر فریب بوده و به
بسیاری از آنها هم عمل نشده است .

معایب قرار داد ۱۹۳۳

- ۱ - آنها شرکت سابق نفت از کلیه معافیت های گمرکی و مالیاتی بهره مند
میشود بلکه کلیه شرکتهای تابعه آن نیز از همین معافیت برخوردار میشوند و حال
آنکه هیچ شرکت یا مؤسسه ایرانی وجود ندارد که از چنین امتیازاتی برخوردار باشد.
- ۲ - بدامنه عملیات شرکت در ایران توسعه خاصی داده شده است که از قسمتی
از آنها تاکنون شرکت استفاده نکرده است .
- ۳ - اگر چه بر حسب ظاهر وسعت حوزه امتیاز تقلیل مییابد ولی با مهلت
۵ سال بشرکت سابق اجازه داده میشود که بهترین منابع را با انتخاب خود اختیار نماید
و بنا بر این ارزش ظاهری و محدودیت حوزه امتیازی بنحو محسوسی نقصان مییابد .
- ۴ - بشرکت سابق اجازه داده میشود که قیمت اراضی مردم و یا دولت را قطع
نظر از نوع مصرف آن برخلاف اصلی که در آمریکا متداول است خریداری نماید .
- ۵ - بشرکت سابق حق داده میشود اراضی خود را بشرکتهای تابعه بفروشد و
با توجه به تفسیری که شرکت نفت از قرارداد نموده است برای شرکت میسر خواهد بود
که اراضی و اموال غیر منقوله خود را که در آخر کار متعلق بدولت ایران میشود از
چنگ ایران بدرآورد .
- ۶ - با وجود آنکه طبق قانون حتی تبعه ایران برای استفاده از هر نوع معادن
سطح الارضی و تحت الارضی بایستی حقوقی پردازند شرکت حق بهره برداری بدون
پرداخت هیچ وجهی را بدست آورده است .
- ۷ - بکمپانی حق داده شده است که بساختن راه آهن - بندر - وسائل ارتباطی
از هر قبیل و وسائل حمل و نقل و باربری از هر نوع مبادرت نماید .
- ۸ - در صورتیکه دولت ایران برای دفاع ملی مجبور با استفاده از وسائل نقلیه
و ارتباط شرکت شود بایستی خساراتی را که از این راه متوجه کمپانی میشود جبران نماید
نه آنکه ارزش آن خدمات را پرداخت کند .
- ۹ - شرکت برای تهیه اشیاء و وسائل و لوازم و خوارباری که با اسم کارمندان
کارگران وارد مینماید از کلیه مقررات متداول کشور معاف و با استفاده از این سهولت
مانع هر گونه توسعه کشاورزی و صنعتی و تجارتهای درحول و حوش حوزه امتیازی شده است .
- ۱۰ - شرکت از پرداخت گمرک و عوارض و مالیات های محلی از هر قبیل که
باشد نسبت باجناسی که برای عملیات خود در ایران لازم دارد معاف میباشد و صادرات
آن نیز از پرداخت هر گونه گمرک و عوارضی معاف است و حال آنکه این معافیت ها برای هیچیک
از دستگاههای تولیدی کشور و حتی مؤسسات دولتی ساخته نشده است .

استفاده از همین حق برای شرکت میسر مینماید که از ایجاد و توسعه هر گونه صنایع بر اساس مواد نفتی در ایران جلوگیری بعمل آورده و در صورت ایجاد از راه رقابت تجاری آنها را از بین ببرد .

۱۱ - کمپانی ملزم نیست هیچ قسمت از ارزش حاصله از فروش نفت و صادرات خود را به پول ایرانی تبدیل نماید .

۱۲ - چون حق الامتیاز و مالیات بر اساس تن مواد نفتی تعیین شده است سعی شرکت در صدور مواد نفتی پر ارزش از ایران میباشد و توجهی به مواد کم ارزش عیندول نمیدارد .

۱۳ - با تغییر ناروای کلمه (فروش رفته در ایران و صادر شده از ایران) شرکت سابق نفت از پرداخت هر گونه حق الامتیاز و مالیاتی بدولت ایران نسبت به : الف - گازهای که میزان آن در سال ۱۹۵۰ معادل سه و نیم میلیون تن بوده است .

ب - مواد نفتی تلف شده که در همان سال محتملاً بالغ بر پانصد هزار تن میباشد .

ج - مواد نفتی مصرفی شرکت که در سال ۱۹۵۰ بدو میلیون تن بوده است . خود داری کرده است .

۱۴ - با پرداخت مالیات بطور ثابت و بر اساس تناژ مالیات پرداختی که در سال ۱۹۳۳ معادل چهار درصد هوایه شرکت یعنی حد اکثر نرخ مالیاتی بوده است در سال شصت و یک به سال مالی ۱۹۴۷ فقط معادل ۱۸ درصد عواید قلمدادی شرکت بوده و حال آنکه نرخ مالیات بردرآمد ایران ۵۰ درصد میباشد .

۱۵ - بجای اینکه حق الامتیاز و مالیات که بر اساس تن است خراجی است منظم و مثلاً ماهیانه بدولت ایران پرداخت شود موضوع نفت که از نقطه نظر بودجه و تأمین بر نامه های عمرانی اثر بزرگی دارد شرکت عملاً در طول ۹ ماه از سال مالی بیش از ۷۹۰ هزار لیره بدولت ایران نمیدرآزد و حال آنکه در یک سال سالی شصت و یک سال ۱۹۵۰ سهم دولت (ایران اقل ۱۵۰۰۰۰۰۰ لیره) بوده است .

۱۶ - با وجود تعهد صریح شرکت به حفظ منافع ایران و مراعات حداکثر صرفه و صلاح در بهره برداری از منابع ما تقریباً تمامی گاز حاصله از منابع نفتی بلا استفاده مانده و بدون اینکه بابت گازها دیناری حق الامتیاز و یا مالیات بپردازد گازهای حاصله را بوسیله مشعلهایی سوزانده و بلا استفاده از بین میرد و حال آنکه شرکت برای مصارف خود و ایجاد نیرو و فعال سالیانه در حدود ۲ میلیون تن مواد نفتی مصرف مینماید .

۱۷ - بر خلاف ترتیبی که با تبعه ایران رفتار میشود شرکت نفت در املاک نفت حوزه امتیازی خود میتواند بدون پرداخت هیچگونه حق از معادن سطح الارضی

وتحت الارضی و بیشه ها و جنگلها برای عملیات خود بهره برداری نماید .

۱۸ - در تعهدات کمپانی نسبت بتأمین بهداشت کلمه (مطابق جدیدترین طریقه حفظالصحه معموله در ایران) قید شده است و همین قید بهانه بشرکت داده است که تا هم اکنون نیز بیش از هشتاد درصد کارگران را از منزل مناسب و آب آشامیدنی و وسائل بهداشتی محروم نگاهداشته و یا شرائط تحصیل آن را نظر بکمی وسائل و ساختمان بسیار دشوار کند .

۱۹ - قیمت فروش مواد نفتی در ایران که منابع سرشار آن اجازه تولید مواد نفتی را بقیمت بسیار ارزانی میدهد بر اساس قیمت خلیج مکزیک و خلیج رومانی با تخفیف ده درصد تعیین گردیده است و با این ترتیب از فروش مواد نفتی در ایران شرکت سود سرشاری که شاید از دویست درصد نیز تجاوز مینماید بدست آورده است و حال آنکه دریاداری و نیروی هوائی انگلستان طبق قرارداد های سری با سوء استفاده از دارا بودن بیش از نصف سهام مواد نفتی مصرفی خود را مجانی و با حداکثر در حدود قیمت تمام شده بدست آورده و از این راه نیز زیان هنگفتی بحق ایران وارد آورده است .

۲۰ - با وجود اینکه شرکت صاحب امتیاز حق داده میشود که با اطلاع قبلی دوساله امتیاز را ترک نماید حق لغو امتیاز را از دولت ایران حتی در صورت انحراف شرکت از مقررات قرارداد و عدم رعایت مقررات و تعهدات مندرجه در آن سلب مینماید .

۲۱ - با آنکه ماده حکمیت مندرجه در قرارداد ۱۹۳۳ بر حسب ظاهر غیب ماده حکمیت امتیاز نامه داری را از بین میبرد آرزوی دیرینه شرکت را که اجراء حکمیت بوسیله حکم واحدی است که بیشتر تحت تأثیر دولت مقتدر انگلستان باشد بر آورده مینماید و بر رئیس یا نایب رئیس دیوان داوری دائمی بین المللی حق داده میشود آن حکم واحد را که حکمی نیز قطعی است انتخاب کند و همچنین محل حکمیت را که تهران بوده است بمحل دیگری که بسته بنظر حکم ثالث یا حکم واحد باشد منتقل مینماید .

۲۲ - طبق عادت دیرینه شرکت که هر چند سال یکبار در صدد بر آمده است کلیه دعاوی را فیصل دهد و تصفیه حساب دریافت کند در قرارداد ۱۹۳۳ هم برای دومین بار این عمل انجام میشود و شرکت نفت با پرداخت مبلغ ناچیز یک ملیون لیره استرلینگ نسبت بگذشته مفاصا حساب دریافت مینماید .

۲۳ - مهمترین نکته که بضرر ایران ضمن قرارداد سال ۱۹۳۳ گنجانیده شده است همانا تمدید مدت امتیاز داری برای مدت ۳۲ سال میباشد زیرا :

طبق قرارداد داری در سال ۱۹۶۱ کلیه مایملک شرکت در ایران مجاناً و بلاعوض بدولت ایران واگذار میشد و در اینصورت از سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۹۳ که قرارداد ۱۹۳۳ منقضی میشده است نه تنها مایملک شرکت از آن ایسران میگردید بلکه بهره برداری از تمام منابع ایران (که بر اساس وضعیت فعلی حداقل سالیانه دویست میلیون لیره ارز در اختیار دولت ایران میگذازد) متعلق بدولت ایران میشده و حال آنکه طبق قرارداد ۱۹۳۳ عواید ایران در همان سال بابت حق الامتیاز و مالیات و سود سالیانه از ۱۵

ملیون لیره تجاوز نموده و سالیانه بیش از ۲۰ ملیون لیره دیگر هم برای مخارج متفرقه شرکت عایدات ایران نمیگردد.

۲۴ - علاوه بر تمام این مراتب در صورت تخلف شرکت و مراجعه بحکمیت و بفرض محکومیت شرکت به پرداخت غرامت قابل ملاحظه و خودداری شرکت از پرداخت آن هیچگونه ضمانت اجرائی برای تأمین حقوق ایران جزء فسخ شدن قرارداد که ناچار در این شرایط برفع شرکت هست وجود ندارد.

نتیجه آنکه محاسبه نشان میدهد که در اثر کم قلمداد نمودن منافع شرکت ما در منظور نمودن تمام سهم منافع آن شرکت از شرکتهای تابعه و متحد و فروش نفت بقیمت ارزان بدولت انگلیس و شرکتهای نفت دیگر و بالاخره تفهیرهای مواد مختلفه قرار داد زبان هنگفتی عاید دولت ایران شده و در صورتیکه طبق عدل و انصاف و تفهیر واقعی قرار داد عمل شده بود عواید دولت ایران اقلاً دو برابر آنچه که حقیقتاً بدست ما رسیده است میشد و به علاوه امروز که صنعت نفت ملی شده است بجای بیش از چهار هزار نفر کارمند و کارشناس خارجی کشور ایران حد اکثر بچند صد نفر کارشناس خارجی برای ادامه بهره برداری نیاز مند میشود موضوعی که اهمیت آن بیچوجه قابل تقویم نمیباشد.

انحراف از مقررات و تفسیرهای نا روای قرارداد داد ۱۹۳۳

۱- با وجود اینکه حوزه امتیازی شرکت سابق فقط شامل قسمت های خشکی ایران بوده است شرکت سعی کرده آبهای ساحلی ایران را جزء حوزه امتیازی ۱۰۰۰۰۰ میل مربعی خود وارد نماید.

۲- در محاسبه حق الامتیاز و مالیات که بر اساس قیمت طلای آزاد (طبق روح قرار داد) تضمین شده بود بوده است حق دولت بر اساس قیمت رسمی که تا ۵۰ درصد از قیمت حقیقی کمتر بوده و محاسبه گردیده است.

۳- با آنکه در ظاهر ۲۰ درصد سود بدولت ایران تعلق گرفته است ولی شرکت سابق میتواند تنها قسمتی از سهم ایران را بمیل خود پرداخت کند و نسبت به باقیمانده فقط متعهد است که در انتهای قرار داد که قیمت لیره بمراتب تنزل یافته است طلب ما را پرداخت نماید و معذالک باز قیود دیگری شده است که میزان عددی بدهی شرکت بدولت ایران را نیز نقصان فاحشی خواهد داد.

۴- در واقع امر دولت ایران ۲۰ درصد سهم منافع شرکت سابق نفت در کسلیه شرکتهای تابعه و متحده شریک میباشد ولی چون آن شرکتهای فقط قسمتی از حق السهم منافع شرکت ما را بآن شرکت پرداخت مینماید دولت ایران فقط جزوی از ۲۰٪ سهمیه خود از این بابت را دریافت میکند مثلاً شرکت بری تیش تنکر که صد درصد سرمایه آن متعلق بشرکت نفت میباشد و در سال ۱۹۴۷ ده ملیون لیره سود داشته فقط

۰۰ ۲۴۰ لیره یعنی ۶ درصد سرمایه‌اسمی را بشرکت ما پرداخت نموده و با توجه بمالیات در یافتی دولت انگلستان سهم دولت ایران از این ده ملیون سود بجای دو ملیون لیره حد اکثر ۳۰ هزار لیره یعنی يك صدم میزان واقعی بوده است .

۵ - ۳۰ در صد سهم ایران از ذخایر برطبق تفسیر شرکت منحصر به ذخیره عمومی میباشد و حال آنکه حق ایران ۲۰ در صد از کل عواید شرکت قبل از کسر مالیات های دولت انگلستان و تعیین و برداشت کلیه ذخیره بوده است .

۶ - با تفسیر غلط و نا روای قرار داد شرکت سابق از کنترل و رسیدگی دولت ایران بحسابهای خود شرکت و شرکتهای تابعه و متحده جلوگیری نموده است و حال آنکه نماینده دولت ایران صریحا حق داشت اطلاعاتیکه صاحبان سهام دارند دارد و بعلاوه ایران در ۲۰ درصد منافع شریک است .

۷ - با وجود حق صریح ایران در کنترل میزان نفت صادر شده با اعمال نفوذ هائیکه مهمترین علت نا رضایتی ملت ایران را تشکیل میدهد شرکت عملا مانع شده است که کنترل لازم بعمل آید و چنانچه يك مجله آمریکائی نوشته است در سال ۱۹۵۰ بجای ۳۲ ملیون تن قلمدادی شرکت معادل ۵۶ ملیون تن نفت استخراج کرده است .

۸ - با استفاده از عنوان سری بودن تمام اطلاعات مهم علمی و فنی که بایستی تمامی آنها در اختیار دولت ایران گذارده میشد اولاً شرکت کلیه مدارک لازم را در اختیار دولت ایران قرار نداد و ثانیاً هر گونه اطلاعی از مؤسسات و کارمندان و مستخدمین را نیز که بطور ناقص و غیر قابل استفاده برای دولت ایران فرستاده است عنوان محرمانه بدان داده و باین ترتیب از نفوذی که نسبت به متصدیان مربوطه داشته است مانع انتشار هر نوع اطلاعاتی شده و بکلی ملت ایران را از جمیع جریانات مربوطه بنفت بی اطلاع نگاهداشته است .

۹ - برای ترتیب عملی نقصان تعداد کارمندان و کار شناسان خارجی و بکار گماردن ایرانیان بجای آنها طرح عمومی پیش بینی شده که شرکت نفت با استفاده ناروای از آن بجای آنکه تعداد خارجیان را کم کند عمده آنها را از ۱۸۰۰ نفر در سال ۱۹۳۳ به ۴۲۰۰ نفر در سال ۱۹۴۸ افزایش داده است .

علاوه بر خسارت مالی که از این راه بکشور وارد آمده است ایران از داشتن کارشناسان فنی در وضع فعلی ارزش فوق العاده زیاد داشت محروم گردیده است . اگر ماده مربوط به تعلیل کارمندان بطور شایسته و طبق روح قرارداد عملی شده بود امروزه پس از ۲۰ سال کمتر از چند صد نفر خارجی بجای بیش از چهار هزار نفر فعلی وجود میداشت .

۱۰ - با وجود اینکه تأمین وسایل بهداشت اراضی و ابنیه و مساکن کارگران شرکت صریحا بمهده شرکت بوده است هم اکنون بیش از ۸۰ درصد از کارگران شرکت بکلی فاقد منزل و مأوای قابل سکونت هستند و منازل آنان که

به بیغوله های عهد حنجر شبیه است از کلیه وسائل صحی محروم است .
 ۱۱ - با دادن سهام مجانی بسهامداران سابق خود شرکت در دو وهله سرمایه حاصله از سهام غادی خود را از حدود ۹ میلیون لیره به ۲۱ میلیون افزایش داده و با این ترتیب ماده ۱۸ قرار داد را که بنفع ایران بوده و مشارکت ایران در خرید سهام غادی را ممکن میکرده است عملا با عدم انتشار سهام بلا اثر و بدون نتیجه گذارده است .

۱۲ - با حق فروش مایملک غیر منقول خود به کمپانی های تابعه شرکت سابق نمیتوانسته است اموال غیر منقوله خود را که در انتهای قرار داد کلاو بلاعوض متعلق بدولت ایران میشده است از چنگ دولت ایران بیرون ببرد .
 نتیجه آنکه با وجود تعهد صریح شرکت بر رعایت حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول مفاد قرار داد چنانچه در موارد بالا توضیح شده است شرکت بهیچوجه بتعهدات خود عمل نموده و قرار دادی را نیز که سرا پا بنفع آن شرکت تنظیم شده بوده است در بسیاری از مواد بموقع اجرا گذارده است .

قرار داد ۱۹۳۳ قرار دادی تحمیلی و باطل بوده است

چنانچه بر دنیا واضح و روشن است قرار داد ۱۹۳۳ به دلائل ذیل علی رغم تمایلات ملت ایران و حتی علی رغم رضایت اکثریت قریب باتفاق مقامات مملکتی وقت بهلت و دولت ایران تحمیل شده است .

۱ - فرستادن کشتیهای جنگی دولت انگلیس آنهم در سال ۱۹۳۳ که فاتح بین المللی اول بنهایت اقتدار خود رسیده دولت آمریکا گرفتار وضع اقتصادی آشفته خود بوده و روسیه شوروی هم سرگرم اقدامات داخلی خود بوده است و بعلاوه دولت ایران هم دست نشانده دولت انگلیس بوده و وظیفه دار بوده است که هم خود بترسد و هم مردم را از کشتیهای جنگی بترساند .

۲ - اقرار آقاسی تقی زاده وزیر دارائی وقت و رئیس فعلی مجلس سنای ایران در مجلس پانزدهم (ما چند نفر مسلوب الاختیار بآن راضی نبودیم ولی اندازه و فوق هر تصویری ملول شدیم) باید عرض کنم که بنده اصلا و ابدأ در این کار هیچگونه دخالتی نداشتم جز آنکه امضای من پای آن ورقه است و آن امضاء چه مال من بود و چه من امتناع میکردم و مال کس دیگری بود هیچ نوع تغییری را در آنچه واقع شده و بهر حال واقع میشده موجب نمیشد من شخصا هیچ وقت راضی بتمدید مدت نبودم دیگران هم نبودند »

۳ - اظهارات اعلیحضرت فقید در موقعی که تمدید قرار داد داری خواسته شده و نمایندگان شرکت تهدید بترك ایران و قطع مذاکرات کرده بودند « عجب اینکار که بهیچ وجه شدنی نیست میخواهند که ما که سی سال برگذشتگان برای اینکار لعنت کرده ایم ۵۰ سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم .

۴ - بفرض اینکه تمام عوامل و دلایل خارجی مذکور در فوق و بسیاری دلایل دیگر وجود نداشت مطالعه متن قرار داد ۱۹۳۳ و محدودیتهایی که دولت ایران در مقابل یک شرکت خارجی برای خود قائل شد مزیت‌هایی را که بآن شرکت داده است کافی برای اثبات این نکته است که قرار داد ۱۹۳۳ بملت ایران تحمیل شده است زیرا:

الف - قرار داد ۱۹۳۳ با اطلاع قبلی دوساله بشرکت سابق نفت حق میدهد که قرار داد را هر موقع که بخواهد فسخ کند و دولت ایران بر خلاف متعهد میشود که حتی در صورت عدم اجرای صریح مواد قرار داد منتهی به فسخ قرار داد رانداشته و بموجب هیچ قانون عمومی و یا خصوصی و ... نتواند قرار داد منتهی را تغییر دهد و حال آنکه هیچ مجلسی نمیتواند ادوار تقنینیه بعد را از اعمال حق حاکمیت محروم نماید .

ب - در صورتیکه قرار داد داری تمدید نشده بود از سال ۱۹۶۱ بعد کلیه ارز حاصله از فروش نفت عاید دولت ایران میشد در صورتیکه قرار داد ۱۹۳۳ ارزش دولت ایران فقط بمبلغ حق الامتیاز و لیره هائی که شرکت برای تأمین احتیاجات خود در ایران مجبور بود خرج نماید محدود شده است .

توضیحاً در یکسال شبیه سال ۱۹۵۰ کلیه عایدات دولت ایران از هر قبیل به ۴۰ میلیون لیره نرسیده و حال آنکه اگر امتیاز تهدید نمیشد تمام عایدی فروش نفت که بر ۲۰۰ میلیون بهره هم بالغ است نصیب دولت ایران میگردد .

ج - اگر تمدیدی در بین نبود از سال ۱۹۶۱ به بعد که مدت امتیاز خاتمه میافت بر طبق امتیاز تمام آلات و ادوات تولیدی نفت به ایران متعلق میگرفته و ملت ایران مالک صد در صد عایدات میگردد در صورتیکه تمدید امتیاز سبب شده است که ملت ایران از عایدات بعد اکثر فقط تا صدی بیست استفاده نماید و ۸۰ در صد بقیه بچیب شرکت نفت برود .

د - در قرار داد ۱۹۳۳ علاوه بر دو عیب زننده مذکور در فوق حق الامتیاز و مالیات و بیست در صد سهم ایران در شرکت نوعی تعیین شده بود که پس از انقضاء ۱۸ سال نتیجه این شد که عایدات دولت ایران نصف مبلغی شد که در صورت وجود قرار داد داری به دولت ایران تعلق میگرفت .

مقدمات قانونی استیفاء حقوق ملت ایران از شرکت سابق نفت جنوب.

در سال ۱۹۴۴ که قانون تحریم و تعویض امتیاز از مجلس شورای ملی گذشت دولت قوام السلطنه برای انحراف از قانون قرار نفت شرکت مختلط ایران و شوروی را با دولت شوروی گذاشت که آن قرار داد را در سال ۱۹۴۷ مجلس شورای ملی باین که شرکت مختلط با امتیاز فرقی ندارد و عمل دولت برخلاف قانون مصوبه بود هاست رد نمود و ضمناً مقرر داشت که :

« دولت مکلف است در کلیه مواردیکه حقوق ملت ایران نسبت به منابع ثروت

کشور اعم از منابع زیر زمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است بخصوص راجع به نفت جنوب بمنظور استیفاء حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورد و مجلس شورایی ملی را از نتیجه آن مطلع سازد .

از این تاریخ به بعد با وجود فشارها و تضییقاتیکه توسط دولت‌های دست‌نشانده مردم و طبقات روشن کشور وارد میشد تظاهرات دامنه داری برای درخواست استیفاء کامل حقوق ملی از شرکت سابق نفت بعمل می‌آمد تا اینکه واقعه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و سوء قصد نسبت باعلیحضرت همایونی اتفاق افتاد توضیح آنکه در روز مزبور شخصی قصد قتل شاه را نمود و چون ضارب بلافاصله بقتل رسید معلوم نشد که محرک حقیقی سوء قصد کیست و این موضوع بهانه برقراری و ادامه حکومت نظامی و فشار بجراند ملی گردید و با این زمینه سازبها مردم اجازه بحث و تدقیق در امر نفت آنطور که شایسته یک چنین امر عظیمی است داده نشد و مباحثات بین نمایندگان دولت و کارمندان شرکت سابق در مورد قرارداد جدید نفت مدت ۸ ماه با اختفاء کامل ادامه یافت و با زمینه‌سازیهائی که شده بود هفته با آخر عمر مجلس با نهم آن قرارداد که موسوم بقرارداد گس-گلشائیان گردید با فوریت بمجلس پیشنهاد گردید تا با استفاده از ضیق وقت و بدون امکان عملی بحث و تدقیق آن قرارداد بتصویب برسد و برای سهولت انجام این عمل نیز نظامنامه سابق مجلس شورایی ملی قبلاً باین قصد تغییر داده شد بود تا مثل سابق نمایندگان حق نطق‌های طولانی در مواردی شبیه بامور مورد نظر نداشته باشند و قرارداد الحاقی از تصویب بگذرد ولی اطلاعاتی که معدودی تهیه نموده بودند و مبنای تهیه نطق اقلیت قرار گرفت و با تغییری که علی‌رغم تمایلات طرفداران شرکت از نظامنامه جدید شد اجازه داد در مدت چهار روز در طی شش جلسه که صبح و شام ادامه یافت وقت مجلس اشغال شده و با وجود مانورهائیکه برای محروم کردن آقای حسین مکی از ادامه نطق بعمل آمد تصویب آن علی‌رغم اتریکها و دسیسه‌ها و فشارها میسر نگردید و مجلس ختم شد .

دوره فترت بین مجلس با نهم و شانزدهم اجازه داد که رفته رفته در اثر مقالات و نشریات متعدد مردم بحقیقت امروز زمانیکه از قرارداد های داری و ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی متوجه ایران شده و میشد پی برده و بالنتیجه تصویب آن لایحه با وجود تمام این اعمال نفوذها و تحریکات و دخالت در انتخابات مجلس شانزدهم میسر نگردیده و بالاخره قرارداد الحاقی رد شد .

لازم بتوضیح نیست که کلیه تحریکات و مداخلات علنی و مخفی که در سه سال اخیر پیش آمد کرده منشاء و مبنای اصلی آن شرکت نفت بوده و با وجود مداخلات علنی که در انتخابات تهران شده بود عده ۸ نفری از نمایندگان حقیقی مردم که ۷ نفر آنها از تهران انتخاب شده بودند بمجلس شورایی ملی رفته و در اثر بیداری مردم این عده معدود موفق شدند که از تصویب قرارداد گس و گلشائیان جلوگیری نموده و با تکیه با فکار عمومی با اطلاع از سرسختی و مداخلات ناروای شرکت سابق نفت و بمنظور کوتاه کردن دست

طرفداران آن از امور کشور توفیق حاصل نمودند که قانون فعلی ملی شدن را از همان مجلسی که پایه آرزوهای شرکت نفت بر مداخله در انتخابات آن بود بگذرانند .

مشخصات و نتایج قرارداد الحاقی (گس - گلشایان)

تأیید و تکمیل قرارداد باطل و تحمیلی ۱۹۳۳

۱ - ضمن مقدمه قرارداد الحاقی شرکت سابق نفت به عین دولت ایران اقرار نموده و مدعی میشود که متعاقب مذاکرات کامل و دوستانه قرارداد الحاقی جدیدی تنظیم شده و الحاقی بودن آن قرارداد به قرارداد اصلی ۱۹۳۳ ضمن ماده یک تأیید میشود .

۲ - ضمن ماده ۱۰ قرارداد ۱۹۳۳ معتبر شناخته شده و قوت و اعتبار آن تأیید میشود :

۳ - ضمن ماده ۲ نظر باینکه دیوان داوری دائمی بین المللی که رئیس یا نایب رئیس بایستی سر حکم و یا حکم منفرد را انتخاب نماید دیگر وجود خارجی ندارد دیوان دادگستری بین المللی را بجای آن تعیین میکنند و باین ترتیب قرارداد الحاقی این تقیصه قرارداد ۱۹۳۳ را از بین میبرد است .

مزایای ظاهری قرارداد الحاقی

- ۱ - میزان حق الامتیاز هر تن از چهار شلینگ به شش شلینگ ترقی داده شده و بنا بر این ۵۰ درصد افزایش مییابد .
- ۲ - میزان مالیات پرداختی هر تن نفت فروش رفته تا یک شلینگ ترقی داده شده و در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش مییابد .
- ۳ - شرکت متعهد میشود که مالیات بردرآمد انگلستان را از حق السهم دولت ایران در منافع کسرنکند و یا بعبارت دیگر ۲۰ درصد سهم دولت ایران را قبل از کسر مالیات بردرآمد بانگلستان پرداخت نماید .
- ۴ - شرکت قبول مینماید که کلیه ۲۰ درصد سهم دولت ایران در منافع را هر ساله در موقع تنظیم بیلان برخلاف آنچه که تا آن تاریخ عمل میکرد است پرداخت نماید .
- ۵ - نسبت بگذشته نیز شرکت متعهد میشود که سهم ایران از ذخایر را که نزد شرکت باقی مانده بوده است یکجا پرداخت کند .
- ۶ - حداقل چهار میلیون لیره برای بیست درصد سود سهام ایران و سهم ایران در دفاتر تضمین میشود .
- ۷ - با آنکه قرارداد ۱۹۴۹ برای تصویب تقاضا شده است شرکت قبول مینماید که بطور عطف بمسابق مقررات افزایش حق الامتیاز و مالیات را برای سال ۱۹۴۸ نیز اجرا نماید .
- ۸ - بجای تخفیف ده درصد در ارزان ترین قیمت مواد نفتی خلیج مکزیک یا

خلیج رومانی بمنظور تعیین قیمت مبنای فروش نفت در ایران شرکت تخفیف ۲۵ درصد را قبول مینماید .

معایب قرارداد الحاقی

- ۱ - قرارداد الحاقی طبق مقدمه ومواديك و ۱۰ قرارداد باطل وتحليلی ۱۹۳۳ را تأیید میکرده وحقوقی را که از این راه بملت ایران تعلق میگرفته است سلب مینمود .
- ۲ - باتعیین مبلغی که بابت حق الامتیاز ومالیات سال ۱۹۴۷ وبطور عطف بماسبق بلیره کاغذ شرکت سابق بایستی پردازد ماده مربوط به تعیین طلاکه مورد اختلاف بوده است وبنظر کارشناسان حقوقی ومالی مثل وان ژیلاند تفسیر ایران تفسیر صحیح بوده است طبق نظر شرکت وبطور ضمنی ومخفیانه تفسیر میشده است .
- ۳ - از راه تفسیر تضمین طلا با توجه باختلاف نرخ رسمی ونرخ واقعی طلا که در حدود ۵۰ در صد بوده است نه تنها میزان عایدی دولت ایران بابت حق الامتیاز ومالیات افزایش نیافته است بلکه چند درصد (بین ۵ تا ده درصد) نقصان نیز میافته است .
- ۴ - باتعیین میزان عددی سهم ایران در ذخیره عومومی سال ۱۹۴۸ موضوع معافیت مالیاتی سهم دولت ایران در منافع و ذخایر را منحصر به معافیت مالیات بر درآمد دولت انگلیس نموده و بنا بر این کسر هرگونه مالیات دیگری از سهم دولت ایران را قانونی وقطعی میکرده است وحال آنکه طبق اصول بین المللی هیچ دولتی نمیتواند هیچگونه مالیاتی را از دولت دیگری دریافت نماید .
- ۵ - در صورت بروز پیش آمدی که خارج از اختیار شرکت باشد و برای مدتی بهره برداری متوقف شده و شرکت نتواند نفت از ایران صادر نماید از حد اقل ۴ میلیون لیره تعهدی متناسب مدت تعطیل صدور نفت کاسته شده و در صورتیکه تعطیل در حدود یکسال ادامه یابد دولت ایران هیچ مبلغی بعنوان حد اقل دریافت نخواهد نمود وحال آنکه طبق قرار داسابق در هر حال حد اقل دولت ایران در حدود ۳۵۰۰۰۰ لیره دریافت مینموده است .
- ۶ - بدون اینکه صحبت از تصفیه حساب ودعاوی بشود با پرداخت مبالغی که در قرارداد الحاقی ذکر شده با توجه به طرز تدوین مواد دیگر آن قرار داد کلیه دعاوی دولت ایران نسبت بشرکت سابق نفت تصفیه میگرددیده است .
- ۷ - با وجود ظاهر فریبنده وتخفیف بیشتری که برای تعیین قیمت مبنای مواد نفتی در قرار داد الحاقی بیش بینی شده نظر باینکه مقررات دیگری از آن قرار داد بجای مینا قرار دادن حد اقل قیمت مواد نفت در خلیج مکزیک و خلیج رومانی فقط قیمت خلیج مکزیک را من بعد مبنای تعیین قیمت فروش نفت در ایران قرار داده و چون قیمت خلیج مکزیک بملت انتقال مرکز نقل صدور نفت از خلیج مکزیک بخلیج فارس وتقصان صدور نفت ازدول متحد آمریکای شمالی روبرو تر اید است قیمت مواد نفتی در ایران افزایش میافته کما اینکه هم اکنون قیمت مینا بیش از ۷۰ در صد افزایش یافته است .

۷- در صورتیکه از معایب دیگر قرار داد و اثرات زیان آور تفسیر غلط تضمین طلا صرف کرده نظر کنیم و آن تفسیر را منطبق باحقیقت قبول کرده و تقصانی را که از آن تفسیر در میزان عایدی دولت ایران پیش آمده است نادیده بگیریم و در نتیجه قبول کنیم که در حدود ۱۰ درصد بحق الامتیا و مالیات پرداختی بدولت ایران افزوده شده است باز هم با توجه به میزان فعلی مصرف نفت ایران اضافه عایدی شرکت نفت از محل فروش نفت نه تنها افزایشی را که شرکت بابت حق الامتیا مالیات پذیرفته بوده است جبران مینموده سهل است با افزایش صریح مصرف ایران نتیجتاً بضرر مالی ملت ایران نیز تمام میشده است.

۹- با آنکه طبق قرارداد ۱۹۳۳ ایران در بیست درصد کلیه ذخایر شرکت شریک بوده است قرار داد الحاقی حق ایران را در ذخایر از هر قبیل منحصرأ محدود بذخایر عمومی نموده و بنا براین حق ایران در سایر ذخایر را بکلی و برای همیشه از بین میبرده است.

۱۰- بدیهی است که مبالغی که شرکت بابت ذخایر طبق دعاوی خود بما بدهکار میبود بایستی از محل ذخایر قبلی و موجوده پرداخت میگردد ولی شرکت در بیان ۱۹۴۸ خود باز ده میلیون لیره ای که بابت ذخایر تا آخر ۱۹۴۸ بما مدیون بوده است از محل ذخیره سری که از عواید سال ۱۹۴۸ کسر گردیده پرداخت مینموده است و باین ترتیب در حدود دویست میلیون و دویست هزار لیره سهم ما زیان وارد میآورده است.

۱۱- با پرداخت قسمتی از سهم ما در ذخایر عمومی کلیه دعاوی ما در شرکتهای تابعه و متحده (که طبق نظر مشاورین حقوقی بیست درصد مایملک آنها متعلق بدولت ایران میباشد) تصفیه میگردد و از بین میرفته است نتیجه آنکه اگر قرارداد الحاقی بتصویب رسیده بود نه تنها دولت ایران از افزایش در آمد خود طرفی نمی بست بلکه ملت ایران بیش از میزانیکه بر حسب ظاهر در حق الامتیا و مالیات افزایش داده شده بود از راه افزایش قیمت فروش نفت در ایران شرکت نفت پرداخت نموده و در نتیجه کشور ایران با اجرای قرارداد الحاقی بجای قرارداد ۱۹۳۳ میلیونها لیره زیان نیز برده بود و همین افزایش قیمت مواد سوختنی تأثیر ناگوار خود را در هزینه زندگی نیز آشکار ساخته و بمنابع داخلی لطمه جبران ناپذیری وارد نموده بود.

باتوجه باینکه قرار داد ۱۹۳۳ میزان عواید ایران نصف عواید حاصله از قرار داد داری کرده است ملاحظه میشود که قرار دادهای منعقد شده با شرکت نفت بجای اینکه بفتح ایران باشد همواره بصورتتهای تنظیم شده که باامال و رفته رفته ضرر بیشتری برای ملت ایران در بر داشته است.

ایجاد فکر ملی شدن صنعت نفت

چون نمایندگان شرکت سابق نفت پیوسته مدعی بودند که قرار داد الحاقی

سرایا بفتح ایران بود و بهیچوجه حاضر بتغییر آن بخصوص افزایش حق السهم ایران نمیباشند و با توجه بمعایبی که ذکر آنها گذشت علاقمندان باین موضوع حیاتی که رهبری این نهضت را بعهده داشته درصدد پیدا کردن راه حلی برای خروج از این بن بست برآمده و بالاخره باین نتیجه رسیدند که تنها باملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران و قبول پرداخت حقوق حقه شرکت سابق نفت میتوان بکلیه گرفتاریها خاتمه داد و ضمناً برای همیشه انتظار دولتهای دیگر را که مترصد بوده اند تا پس از انعقاد قرار داد الحاقی مطالبه سهمی در منابع نفت شمال ایران بنمایند با استفاده از قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور تبدیل بیاس نموده و از خطری که واگذاری نفت شمال ایران برای این کشور و همسایگان ایران و بخصوص بلوک غربی دربر داشته است جلوگیری کرد و بمنظور جلوگیری کامل از چنین پیش آمدی است که ملت ایران بسا نهایت صداقت و صمیمیت و فداکاری حاضر نشده است با قبول نوعی از ملی شدن صنعت نفت که پیشنهاد نماینده گان شرکت سابق نفت بوده در اجراء قانونی که ناشی از حق حاکمیت ملت ایران است خللی وارد آورده و بانقض قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت را همان تقاضاها و فشارها را از طرف دولت های دیگر باز نماید.

تسلیم با اجرای کامل قوانین ملی شدن صنعت نفت نه تنها احترام بقوانین کشوری آزاد و مستقل است بلکه بامحترم شمردن آن قوانین و آن مخاطراتیکه از طرف شمال باز شده بوده است برای همیشه بفتح ایران و دنیای آزاد مسدود میگردد.

منبع فکر ملی شدن صنعت نفت

با وجود اینکه دنیا دریافته است که ذکر ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور خواسته ملت ایران بوده و هیچ کشور خارجی در آن دخالت نداشته است لازم است باین نکته توجه شود که شعار افرادی که بطور مستقیم طرفدار سیاست شوروی معرفی میشدند بقرار زیر بوده است.

۱ - اعلام بطلان قرارداد داری و قرارداد ۱۹۳۳

۲ - ضبط تمام مایملک شرکت

۳ - ملی کردن نفت جنوب

در صورتیکه میلیون در اثر ملی کردن صنعت نفت طبق شعار خود توفیق حاصل نموده بودند و نظریه دسته های چپ و یا چپ نما عملی میشد نه دولت ایران قادر بود که منابع نفتی خود را از دست شرکت سابق نفت خارج نماید و نه تصویب این قانون مانع درخواست امتیاز دولت شوروی با کشورهای دیگر در بقیه نقاط نفت خیز ایران میشد در صورتی هم که نسبت به نفت جنوب توفیق حاصل میشد در هر حال مانعی برای تقاضای امتیاز از طرف شوروی در بقیه نقاط ایران در بین نبود موضوعی که ملت ایران بفتح خود و بفتح ملل آزاد جهان از آن گریزان بوده و هست.

در صورتیکه قوانین ملی شدن صنعت نفت بنحوی که تصویب شده است بمورد اجرا گذارده نشود و یا تغییری در آن داده شود .

۱ - دولت شوروی میتواند تقاضای تغییر خاصی که اجازه واگذاری امتیاز بنحوی که در نفت جنوب عملی شده است بنماید .

۲ - با توجه بافکار عمومی فعلی ملت ایران و مداخلاتی که شرکت سابق نفت در امور داخلی ایران بعمل آورده و فشار هائیکه بما وارد آورده است مردم ایران که ملی شدن صنعت نفت بمنظور قطع ابدی شرکت را تنها علاج درد های بی درمان خود میدانند و در عین حال فوق العاده نگران نتیجه قطعی فدا کاریها و کوششهای خود میباشند ناراضی و نگران شده و در اثر یاسی که از صداقت رهبران خود در آنها ایجاد خواهد شد مقاومت در حق خود را از دست داده و بالنتیجه دستجات افراطی چپ باحد اکثر استفاده از این ناراضیاتی کاملاً بر اوضاع ایران بضرر کشور ایران و کلیه کشور های آزاد جهان مسلط خواهند گردید و اگر در اثر عدم توافق نسبت باجرای کامل ملی شدن صنعت نفت ملل غربی با خودداری از مساعدت فنی مانع صدور نفت ایران شده و دستگاههای تولیدی آن گرفتار تعطیل و کارگران دچار بی کاری شوند با توجه بوضعیت مالی فعلی کشور ایران فقر و بدبختی افزایش یافته و تمام مردم فقیر که بیش از پنج درصد اهالی این کشور را تشکیل میدهند و با احساسات وطن پرستی و علائق مذهبی از کمونیسم گریزانند در اثر شدت بدبختی که هم اکنون غیر قابل تحمل است بدامان کمونیسم پناه خواهند برد . مراتب که توضیح داده شد همه ناظر بآثار سوء اقتصادی عملیات شرکت سابق نفت است که متوجه ملت ایران شده مسئله مهم تر و اساسی تر لطامات ناپذیری است که طی نیم قرن گذشته از وجود و اعمال شرکت و عمال آن بر استقلال سیاسی و مبانی اخلاقی تشکیلات اجتماعی کشور ایران وارد گردیده است .

برای ملت ایران بسیار واضح است که کمپانی نفت جنوب بمنظور تأمین منفعت بیشتر و پایمال کردن حق السهم دولت ایران و برای اینکه هیچگاه تخلفات او از مواد قرارداد تحمیلی مورد کنترل و مواخذه مقامات ایرانی قرار نگیرد از هیچ مداخله در امور داخلی ایران در انتخابات پارلمانی در تشکیل احزاب و دستجات سیاسی در جاب و انحراف مطبوعات و حتی در تشکیل و ترتیب دولتها خودداری نکرده است اسناد و اوراقی که اخیراً از اداره اطلاعات و انتشارات شرکت مزبور بدست آمده و موجود است بصورت مسلم و انکار ناپذیری نشان میدهد که این اداره کانون جاسوسی و مراوده نامشروع با افرادی بوده که در نتیجه قدرت مالی و نفوذ سیاسی پنجاه ساله شرکت از راه راست منحرف شده و برای کارشکنی از دولت و ملت ایران خود را در اختیار رؤسای شرکت گذاشته بودند .

حمایت مضرانه دولت انگلستان از اقدامات و مطامع کمپانی در گذشته و حال

خاطره نفرت‌انگیز و فراموش‌نشدنی برای یکایک افراد ملت ایران بوجود آورده بصورتی که امروز افراد واحد مردم این مملکت در برانداختن اساس این استعمار شوم یکدل و یکجهت درصاف واحد ایستاده‌اند تجدید قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ و تمدید مدت که علی‌رغم میل و مصلحت ملت ایران بر هیئت حاکمه آن بسختی و شدت تحمیل شد جز با حمایت و مداخله غیر مشروع دولت بریتانیا مقدور نبود مقدمه چینی‌ها و ارباب و اخافه ملت و دولت ایران بمنظور تمدید مدت از سطور برجسته و سیاه تاریخ گذشته ایران است که از خاطر هیچ ایرانی محو و فراموش نخواهد شد. حتی امروز هم با تمام تحولاتی که در اوضاع سیاسی و مقتضیات جهان و در افکار و عقاید ملت‌های مشرق و مخصوصاً ایرانیان روی داده دولت انگلستان با اینکه بهیچوجه با دولت و ملت ایران قراردادی ندارد و طرف معامله نیست باز برای حمایت از کمپانی نه از اعزام کشتی جنگی خودداری و نه از ترسل به تبلیغات و تحریکات مسموم و مضر کوتاهی کرده است در واقع کمپانی با کمک سیاست مخصوص بریتانیا در شرق کشور و ملت ایران را بصورت مستعمره و برده برای خود و دولت متبوعه خود در آورده است و تحمل این وضع هرگز و بهیچ قیمت برای ملت ایران که از اوضاع امروز دنیا بخوبی خبر دارد امکان پذیر نیست.

ملت ایران عقیده دارد که عقب ماندگی فرهنگی و اقتصادی و اخلاقی او محصول مستقیم طمع ورزی و سود پرستی کمپانی است از اینجاست که دولت و ملت ایران بانهایت علاقه و کوششی که بصحت و سلامت تأسیسات نفت و تصمیم‌گیریان منظم آن بشتریان سابق و دنیای آزاد دارد در صورتیکه استفاده از این منبع زرخیز بدون نجات از یوغ استعمار کمپانی سابق ممکن و میسر نگردد ترجیح میدهد برای تحصیل استقلال کامل سیاسی و اقتصادی خود بآمنتهای تأسف دستگاههای عظیم استخراج و تصفیه نفت را در حال تعطیل نگاهدارد و از این منبع عایدی با تمام احتیاج مالی که دارد چشم ببوشد.

نکته مهم و قابل ملاحظه دیگر که ملت ایران را در تصمیم ملی کردن صنعت نفت راسخ‌تر کرده است مسئله تعادل و توازن سیاسی است که در حفظ صلح جهانی و سلامت بین‌المللی نمیتواند بی‌تأثیر باشد. ملت ایران میخواهد همواره از تأثیر عمل و عکس‌العمل سیاستهای مختلف و مسلک‌های سیاسی متنوع بر کنار بماند و با آرامتر راه خود را بدون مداخله بیگانگان بطرف رشد و ترقی و رفاه و آسایش به پیماید بخاطر تأمین این منظور صنعت نفت را در سراسر کشور مطلقاً و همیشه ملی کرده و زمام اختیار آنرا بدست خود گرفته تا چنانکه گفته شد موردی برای تقاضای امتیازات جدید در مناطق نفت خیز دیگر نماند.

با توجه بمسائلی که توضیح شد تصدیق باید کرد که ملت ایران در ملی کردن صنعت نفت از ابتدائی ترین و مشروع ترین اصول حاکمیت و استقلال سیاسی که مورد حمایت شدید سازمان ملل متحد است استفاده کرده و انتظار دارد تصمیم و اقدام او از طرف دنیای آزاد و ملت‌های آزاده جهان مورد تصدیق و تأیید قرار گیرد.

گزارش آقای دکتر شایگان به مجلس شورای ملی
 راجع بدیوان دادگستری لاهه
 بتاريخ ۴۵ تیر ماه ۱۳۳۰

چنانچه ذهن آقایان مسبوق است بنده از طرف هیئت مختلط و مع الواسطه از طرف نمایندگان مجلس و ملت ایران ماموریت داشتم که بلاهه بروم و در امر رسیدگی بدرخواست دولت بریتانیا نظارت کنم .
 وظیفه بنده مثل هر مامور دیگر اینست که گزارش کار خود را بعرض آمرین خود برسانم .

خاطر مبارك آقایان مسبوق است که دولت انگلستان ابتدا عرضحالی علیه دولت ایران تقدیم کرد که دولت ایران جواب داد نظر بعدم صلاحیت محکمه و نظر بعدم اهلیت اقامه کننده دعوی ، من در محکمه شرکت نمی کنم و جواب نمیدهم .
 معذالك مطابق اساسنامه دیوان دادگستری لاهه مافرصت نداشتیم که جواب

مفصلی بعد بهمین درخواست انگلستان بدهیم زیرا در اساسنامه دیوان نوشته شده است که ترتیب محاکمه و مخصوصاً وقت محاکمه را با مشورت با طرفین دعوی تعیین میکنند و معمولاً اینکار دوسه ماه و یا لا اقل دو ماه طول می کشد ولی دولت انگلستان باین عرض حال اکتفا نکرد بلکه يك عرض حال ثانوی داد بعنوان درخواست تأمینیه قاعدتاً برای رسیدگی بهمین درخواست هم بایستی مطابق منطق قضائی وقت کافی بطرف داده شود تا بیاید و حرفهای خود را بگوید اما این وقت کافی بما داده نشد و یکی از ایراداتی که اشخاص بطرف مکرر اظهار کردند همین بود که محکمه در تعیین روز محاکمه عجله کرده است دولت ایران بسرعت تمام جوابی راجع بدرخواست اقدامات تأمینیه تهیه کرد و تا وقتی که ترجمه جواب حاضر شد سه ساعت بعد از نصف شب روز پنجشنبه ششم تیر بود سر شب به بنده امر شد که بایستی این عرض حال را که میبردند به لاهه منم در در آنجا باشم و توضیحاتی من غیر رسم برای قضات بدهم .

ساعت چهار بعد از نصف شب با هواپیمای مخصوص بطرف لاهه حرکت کردیم و این هواپیما چون برای کار ما آماده نبود بجای ۱۶ ساعت ما را در ظرف ۲۷ ساعت بلاهه رسانید بطوریکه وقتی ما بلاهه رسیدیم بیش از سه ساعت به موقع محاکمه باقی نبود چون وقت کم بود و رئیس محکمه هم سابقاً استاد من بود . ما رفتیم خدمت ایشان تا توضیحات خود را بدهیم .

او برای اینکه در مظان تهمت نباشد و انگلیسها ایراد نکنند که مذاکرات ما در حکم تبانی بوده ایشان مرا بتنهائی پذیرفت و رئیس دفتر محکمه و وزیر مختار ایران با ما در این جلسه شرکت جستند .

بنده آنچه در قدرت داشتم از قرارداد ۱۹۳۳ گرفته تا مظالم کمپانی سابق و ملی شدن نفت همه اینها را بتفصیل بعرض ایشان رساندم و در نتیجه ایشان گفتند من خیلی خوشحال و روشن شدم که این مسائل برای من گفته شد .

ولی چرا خوتان نمی آید در محکمه تا این مسائل را بگوئید .
من گفتم بنده مأمور دولت نیستم بلکه يك فرد عادی هستم و نماینده هیئت مختلط نفت هستم ولی آنچه من میدانم اینست که دولت ایران محکمه را صالح نمیداند و در آخر هم اصل قضیه مبتلابه را بایشان عرض کردم و گفتم شما قبل از اینکه قرار صلاحیت یا عدم صلاحیت بدهید نمیتوانید در باب اقدامات تأمینیه نظری بدهید .
بنده بعنوان نظر قضائی شخصی خودم این مسئله یاد آوری کردم و ایشان هم گفت در این خصوص صحبت خواهد شد .

بعلاوه وقتی بلند شدیم دست مرا فشرد و گفت مطمئن باشید از قبیل آن مطمئن باشید بود که وقتی میخواهند سر کسی ببرند باو میگویند ، مطمئن باش مثل گل سرت را خواهیم برید .

بهر حال محکمه ساعت ده و نیم صبح شنبه تشکیل شد جای نمایندگان ایران خالی بود و بنده هم جزو تماشاچیان سیاسی نشسته بودم محکمه با ابهت تمام تشکیل شد اعضاء محکمه لباس رسمی بر تن داشتند و قضات و نمایندگان انگلیس هم علاوه بر لباس رسمی گیسوان مصنوعی روی سرشان گذاشته شده بود .

وکیل انگلستان در این امر مدعی العموم تمیز انگلستان بود که مرد محترمی است ما که دفاعی نداشتیم و شرکتی هم نداشتیم و او هم لایحه اش را آورد و خواند و تنها بیانی که میکرد این بود که اظهار خستگی میکرد و می گفت محکمه خوبست اجازه بدهد قدری بنشینیم .

این لایحه مطلب مهمی ندارد یعنی در ابتدا شرحی از پیش آمدهای ایران در باب ملی شدن نفت را ذکر میکند و بعد باین قضیه مشکله وارد میشود که آیا محکمه قبل از اینکه قرار صلاحیت صادر کند میتواند قرار تأمینیه صادر کند یا خیر حقوقدانها میدانند که نه در منشور ملل متحد و نه در اساسنامه دیوان چیزی که مشعر بر این امر باشد موجود نیست و موضوع برویه قضائی بر میخورد و این آقا یعنی مدعی العموم انگلستان بحث میکرد که مطابق رویه قضائی دادگاه میتواند قرار داد تأمینیه صادر کند البته این دلائل خیلی سست بود .

بعد از تعطیل محکمه که صبح و عصر بود رئیس گفت : اگر من صحبتی داشته باشم و تحقیقی بخوام بکنم از طرفین دعوت خواهم کرد و روز اعلام رای را هم بعد اعلام خواهم کرد .

اینرا هم باید عرض کنم که جواب ما اصلا قرائت نشد و بآن اشاره ای هم بعمل نیامد .

روز بعد مخبرین جراید آمدند تا من مطالب خود را بگویم . من علت عدم شرکت دولت ایران را در محکمه و عدم صلاحیت محکمه را بآنها عرض کردم و تمام مطالب من در جراید منعکس شده و حتی فیلم ناطقی هم از بنده برداشته شد و در سینماها نشان داده شد .

بهر حال ما تلاش کردیم تاریخ محکمه را ببینیم و باو بگوئیم لاقول جواب ایران را هم در محکمه بخوانند ولی متأسفانه هیچ يك از اینها را کسی ندید و حتی وزیر مختار ما هم که خیلی مردم وطن پرستی است سعی کرد شاید اینها را در مجامع رسمی ببیند ولی باز هم موفق نشد .

بالاخره صبح پنجشنبه فرارسید و در آنروز اعلام کردند که محکمه رای خود را خواهد داد و سهونیم بعد از ظهر آن رایی را که ملاحظه کرده اید گذاشتند جلوی ما و منهم بلافاصله عرض کردم این رای صحیح نیست و ملت ایران و دولت آنرا قبول ندارد (صحیح است)

بعدهم با مخبرین جراید در سفارتخانه مصاحبه ای کردیم و مطالب خود را برای آنها گفتیم تا آنجا که بنده عرض کردم محکمه تحت نفوذ سیاسی دولت انگلستان قرار

گرفته است .

این مطلب به دو نفر از مخبرین جراید که فرانسوی بودند گران آمد چون رئیس محکمه فرانسوی است و آنها بمن حمله کردند که چرا این حرف را زده ام و این مطلب توهین بمحکمه است و سابقه ندارد .

از آنجا که حق همیشه حکومت دارد عده دیگری به آن دو نفر گفتند خیر این مطلب سابقه دارد مگر مسئله پانامارا یاد ندارید .

بعد بمن گفتند چرا باستادت احترام نمیگذاری من گفتم بنده بوطنم بیش از استادم احترام میگذارم .

بعد عرض کردم شما همه از نظر اقتصادی و مالی این مطلب را نگاه می کنید در حالیکه ملت ایران این مسئله را از نظر سیاسی بیشتر مینگرد و بعد اضافه کردم اسنادیکه از شرکت سابق کشف شده این مطلب را تأیید میکند بهر حال بنده دیگر کاری نداشتم جز مصاحبه دومی که قرار بود در آن اصل سند مکشوفه را در اختیار مخبرین جراید بگذارم .

در ضمنی که من در لاهه بودم دنبال اطلاعاتی در امر نفت بودم و یکی از اینها پیشنهادات متعددی بود که ضمن آنها تقاضای کار میشد و دیگری پیشنهادات خرید بود که خودشان حاضر بودند که وسایل حمل و نقل را تهیه کنند .

چون آنروز هنوز آگهی فروش نفت صادر نشده بود و هلند هم دولت کوچکی بود این پیشنهادات خرید زیاد نبود بلکه از چند میلیون تن تجاوز نمیکرد بنده به پایتخت سایر کشورها هم رفتم و در پاریس به همین قبیل تقاضا رسیدگی کردیم و بعد آقای منصور آزرمتلفن کردند که من بایتالیا برای دیدن ایشان بروم . راجع بعدم صلاحیت محکمه هیچ اشکالی نبود و در آن مصاحبه ها بنده اینطور گفتم :

محکمه لاهه یک دیوان حکمیت است نه یک دیوان بمعنی تام و تمام که بدون مراجعه طرفین صلاحیت داشته باشد که وارد دعوا شود .

صلاحیت او در همان حدودی است که از طرف ممالک پذیرفته شده باشد و ما در موقعی که مسائلی را در مورد دیوان دادگستری قبول کردیم یکی از آنها همین اعمال حق حاکمیت بود که تمام دول ملی کردن صنایع را هم جزء حق حاکمیت دول شناخته و از اینروز محکمه صلاحیت رسیدگی باین امر را نداشته .

اعتراض دوم راجع باین بود که اولاً محکمه وقت کافی برای جواب نداده و ثانیاً محکمه ای که از او قرار خواسته اند آمده و وارد ماهیت دعوا شده و رؤیعی برای کار معین کرده است البته این حرف در اشخاص بی طرف مؤثر واقع میشد جزو مطالبی که من گفتم این بود که این قرار تأثیری برای ملت انگلستان ندارد ولی تأثیر بدی برای محکمه دارد زیرا ملل ضعیف تاکنون خیال میکردند اوضاع سابق در هم پیچیده شده و ملل ضعیف تصور مینمودند که دول قوی میخواهند با آنها با مساوات رفتار کنند ولی عمل شما ثابت کرد که وضع مثل سابق است تنها لباس آنرا عوض کرده اید .

بعد متوجه شدم که عکس‌العمل دولت ایران و پس گرفتن امضاء از طرف ما برای دیوان خیلی بد بوده است و آقای وزیر مختار بعد از اینکه نامه دولت را به رئیس دفتر محکم‌کمه داده بودند می‌گفتند وقتی من لایحه دولت ایران را تقدیم رئیس دفتر لاهه کردم او خیلی متأثر و خشمگین شد و کاملاً ناراحت گردید .

گزارش بنده در قسمت قضائی همین بود ولی باید از موقع استفاده کرده و بگویم این اقدام دولت ایران چه تأثیری در دنیا داشته است .

ملی کردن نفت دولت ایران را یکی از دول مهمه دنیا کرده و آبروی ملت ایران يك برهزار شده است . ملتی که هیچ صحبتش نبود امروز تمام سرمقاله‌های روزنامه‌های جهان صرف صحبت از همت و شجاعت او شده است .

کاری که مجلس شورای ملی بکمک ملت ایران کرده است بقدری طرف توجه است که اگر من تمام وقت آقایان را برای توضیح آن بگیرم کافی نیست سفارت‌خانه‌های ایران که سال بسال کسی با آنجا ها نمیرفت امروز مرجع مراجعه تجار بزرگ دنیا شده که هر دقیقه وقتشان میلیونها ارزش دارد .

روزنامه ها حتی جرأید دشمن مینویسد این اقدام دولت ایران باعث اعجاب دنیا است .

بنده شنیدم که بعضی ها نگرانی هایی در داخل ایران دارند و بنده مطالبی دارم که متکی بجرأید انگلیسی و فرانسوی است اینها در مقالاتی که می‌نویسند میگویند دولت انگلستان غیر از اینکه با دولت ایران بمسالمت رفتار کند راهی ندارد .

وقتی من در لاهه بودم آقای امامی آمدند و من از نظریات ایشان استفاده کردم بهر حال این اوراق و اسنادی که من با خود آورده ام یکی یا دو تا نیست بلکه يك کارتن بزرگ از آنها را با خود آورده ام .

دلایل این جرأید اینست که اولاً این کار یعنی اتخاذ روشی جز مسالمت اشکالات لاینحل بین المللی ایجاد خواهد کرد و يك دولت که فعلاً در حال صلح است با ما وارد در جنگ خواهد شد و در ثانی مسئله اشغال قسمتی از ایران کار چند صد نفر قشون نیست بلکه ما باید قوای کافی بفرستیم تا آنجا را برای مدت مدیدی اشغال کنید و فعلاً ما وسایل کار را نداریم و برای ما باعث بی آبرویی خواهد شد .

اینها را روزنامه های انگلیسی نوشته اند .
دلیل سوم این جرأید اینست که اشغال قسمت خوزستان برای خاطر حفظ پرستیژ انگلستان شوخی است اگر ما میرویم باید برویم برای استفاده و مسلم است با این روح ملی و احساسات وطن پرستانه که در ایران هست ، ما موفق نمیشویم که استفاده از منابع نفت بکنیم زیرا کارگر ایرانی جز برضایت دولتش کار نخواهد کرد .

حال آقایان قدر این احساسات ملی را بدانید .
من این عرایض را عرض کردم تا کسانی که ضعیفند بدانند که این حرفها از قبیل پیاده کردن قشون جز شوخی چیز دیگری نیست .

اما مردم دنیا همه بنظر تحسین بما نگاه میکنند .
در مکالمه هائیکه در هلند و مکزیک و فرانسه میکردیم اشخاص بی طرف
می گفتند چه کار خوبی کردید و اینها انگلستان را تخطئه میکردند که این دولت از قرن
نوزدهم يك تسلط مصنوعی در دنیا ایجاد کرده و کهنه کارهای دولت انگلستان هنوز هم
خیال میکنند دنیا همان دنیای صد سال پیش است .

در هلند علاوه بر این نظر های کلی يك کینه ای هم نسبت بانگلیسها دارند و
و آن راجع بمسئله اندونزی است که می گفتند در آن موقع اندونزی میخواست مستقل
شود اینها حرفهایی میزدند ولی امروز خودشان از استقلال اقتصادی يك مملکت
جلوگیری میکنند .

اما تبلیغاتی که میکنند اینستکه میگویند ممکن است مجلس ما یا ملت ازدولت
فعلی جدا شود .

هر مقاله ای که انگلیسها مینویسند ترجیح بندش اینست که ما با این اوضاع
فعلی ایران و با این احساسات ملی امید پیشرفتی برای شرکت نفت نداریم و باید تمام
قوای خود را صرف کرد تا دولت دکتر مصدق را انداخت .

اینها میگویند تنها چاره ما این است که مجلس بدولت دکتر مصدق رای عدم
اعتماد بدهد و اشخاص دیگری را روی کار بیاورد .

نتیجه اتحاد ملت ایران باعث ایجاد این آبرو برای دولت ایران شده و من
معتقدم تمام این مشکلات با اتحاد و اتفاق ملت ایران رفع خواهد شد .

امروز مشکل ایران مشکل دادگاه لاهه نیست . مشکل ایران مشکل ارجاع
بسازمان ملل نیست خاصه اینکه اکنون نمیتوانند بسازمان ملل رجوع کنند زیرا قرارداد
را نمیشود بسازمان ملل رجوع کرد .

بهرحال ضعف ایران اینها نیست بلکه ضعف ما موقعی است که در اثر تبلیغات
سوء ایادی شرکت نفت تفرقه بین مجلس و دولت و ملت ایران ایجاد شود بود و آروز
البته روزی شادی آنها خواهد بود .

بهرحال نگرانی از پیاده کردن نیرو درمیان نیست بلکه نگرانی این است که
مبادا آنها در بین مردم تشتت ایجاد کنند و آوقت به آرزوی خود نایل شوند . تکیه گاه
ما اینست که اولاً اقدامات خارج از ایران آنها بجائی نرسد و امر دیگر اینست که اینها
نمیتوانند از نفت ایران صرف نظر کنند احتیاج میرم اینها باعث میشود که اقداماتی نکنند
که موجب شود که نفت را از ایران نتوانند ببرند .

در پیرو عرایض خود راجع باتحاد و اتفاق ملت ایران چون عده ای میدانستند

که من صبح امروز این عرایض را عرض میکنم سه طبقه اوراقی در باب اتحاد و اتفاق و پشتیبانی از دولت آقای دکتر مصدق امضاء کرده و بمن داده اند .
 (ناطق سه طومار بلند و بزرگ را که پر از امضاء بود تقدیم رئیس کرد .)
 علاوه آنکسی که نوشته بود امضاء من در بیانیه اصناف و بازرگانان جعل شده است اشتباه کرده و معلوم شد آن شخص او نبوده و امضا مال دیگری است .
 این اوراق که تقدیم میکنم یکی مربوط باهالی سه راه قزوین و دیگری متعلق باهالی سه راه ژاله است که در آن اسم آقای آزاد را هم ذکر کرده و نوشته اند امیدواریم ایشان با دولت مخالف نکنند .

www.iran-archive.com

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره ۱۰۷۸

مورخه ۱۳۳۰/۵/۹

مجلس شورای ملی

طبق ماده ۹ مصوب اردیبهشت ۱۳۳۰ گزارش عملیات هیئت مختلط نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را بضمیمه تقدیم و طبق دلائل مندرجه درعین گزارش خواهشمند است مدت اختیارات هیئت مزبور را برای سه ماه دیگر از تاریخ تصویب تمدید فرمایند.

نهم مرداد ماه ۱۳۳۰ مخبر هیئت مختلط - دکتر عبدالله معظمی

گزارش از کمیسیون هیئت مختلط بمجلس شورایی ملی در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۳۰

شماره ۱

بطوریکه خاطر شریف آقایان محترم مستحضر است بموجب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت مورخ نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ لازم بود هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورایی ملی بانتخاب هر یک از مجلسین بانضمام وزیر دارائی یا قائم مقام او تشکیل شود تا بحکم همان قانون نظارت اجرای قانون ملی شدن را بعهده بگیرد. از طرف مجلس سنا در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه آقایان: بیات و سروری و دکتر شفق و دکتر متین دفتری و نجم و از طرف مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۲ همان ماه آقایان: اردلان و دکتر شایگان و اللهیار صالح و دکتر معظمی و مکی برای این منظور انتخاب و تعیین شدند و اولین جلسه

هیئت مختلط با حضور آقای مهندس حسینی که بعنوان قائم مقام وزارت دارائی معرفی شده بودند در همان روز ۲۲ اردیبهشت انعقاد یافت و باتفاق آراء جنابان آقایان اللہیار صالح را بریاست و اردلان را بنیابت ریاست وحسین مکی را بسمت منشی انتخاب و شروع بکار نمودند. هیئت مختلط در تمام این مدت باستثنای ایام تعطیلات هفته و ایام احیای ماه مبارک هرروز جلسات مرتب منعقد ساخته و اوقاتی در روز دو جلسه تشکیل داده و بوظائف مقررہ پرداخته و بحمدالله در تمام موارد حسن نیت و حسن وحدت در بین اعضاء وجود داشته است اینک چون بموجب ماده نهم قانون مذکور در فوق هیئت مختلط ملزم است در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ تقدیم دارد مبادرت بعرض این گزارش مختصر مینماید گزارش مفصل و مستدل بانضمام اسناد و مدارک متعاقباً تقدیم خواهد شد.

درافتتاح جلسه اول جناب آقای نخست وزیر شخصاً درجلسه حاضر شدند و بیاناتی جامع در باب لزوم همکاری و اصول و مبانی کار ایراد فرمودند و در وظائف اساسی هیئت و همکاری با دولت مذاکراتی در حضور معظم له بعمل آمد و طبق خواهش ایشان قرار شد هیئت مختلط گذشته از اعمال حق نظارت در کلیه امور و تصمیمات مربوط به نفت در هر مورد نظریات مشورتی هم اظهار دارد و مراجعات دولت را از این لحاظ مورد مطالعه قرار دهد.

قانون نهم اردیبهشت ماه وظائف اساسی هیئت مختلط را بر وجه ذیل تعیین کرده است :

- ۱ - نظارت در خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران .
- ۲ - نظارت در رسیدگی دولت بمطالبات و دعاوی دولت و شرکت .
- ۳ - نظارت در رسیدگی بحساب در آمد نفت از تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ و در امور بهره برداری تا تعیین هیئت عامله .
- ۴ - تهیه اساسنامه شرکت ملی نفت ایران .
- ۵ - تهیه آئین نامه فرستادن محصل بخارج برای فرا گرفتن رشته های مختلف مربوط بصنایع نفت .
- ۶ - تهیه و تقدیم پیشنهادهای لازم بمجلسین .

چون موضوع خلع ید مقدم بتمام عملیات دیگر بود و بموجب ماده ۲ قانون لازم بود بلافاصله تحقق پیدا کند لذا هیئت مختلط بالطبع اولین جلسات خود را مصرف بحث در این مهم کرد و در پیدا نمودن طرق عملی آن و تعیین طرز نظارت خود بمباحثات و مطالعات لازم پرداخت که خلاصه آن بعرض خواهد رسید . توأم با این مطالعات هیئت مختلط از طرفی بحکم وظیفه کلی که داشت و از طرفی بموجب اینکه دولت همکاری مستمر و نظر مشورتی هیئت را در کلیه امور مربوط به نفت تقاضا میکرد مقتضی دید در ضمن عمل نظارت در اجرای قانون و پرداختن بکلیات و اصول یک سلسله پیش بینی های لازم

مقدماتی تعیین و بدولت تقدیم دارد نیز در مسائل و امور جاری اظهار نظر کند و در عین حال مطالعاتی بعمل آورد بنا بر این فعالیت هیئت بیشتر معطوف باین سه قسمت یعنی پیش بینی های مقدماتی و امور و مسائل جاری و مطالعات و مسائل و اصول مربوط به اجرای ملی کردن نفت بوده است . .

پیش بینی های مقدماتی

- پیش بینی های مقدماتی ذیل بعد از مذاکرات لازم تدوین و بدولت تسلیم شد :
- ۱ - اداره مربوط بامور نفت وزارت دارائی توسعه و تکمیل و کلیه امور راجع به نفت در آنجا تمرکز داده شود و مسائل اصولی و امور جاری بلا انقطاع در آنجا مورد توجه و تعقیب واقع گردد و کمیسیونهای ذیل بیدرنگ ایجاد و مستمراً شروع بکار کنند :
 - الف - کمیسیون حقوقی برای پیش بینی های لازم حقوقی و محاکماتی و تهیه کلیه اسناد و مدارک .
 - ب - کمیسیون فنی برای مطالعه جهات فنی صناعت نفت در ایران و پیش بینی مشکلات گوناگون و تهیه هر نوع وسائل عملی .
 - ج - کمیسیون مالی بمنظور تهیه اسناد و مدارک مربوط برسیدگی بحسابات شرکت سابق نفت در ضمن تذکر داده شد که اعضاء کمیسیونهای مذکور در هر موضوع بامنظور داشتن صلاحیت و سوابق از کارمندان بصیر و خیره دولت انتخاب شوند و در صورت لزوم برای مشاوره های حقوقی از علمای حقوق ممالک بیطرف خارجی استفاده بعمل آید و بیک محاسب زبردست و بیک خیره عالیه مقام در امور عمومی نفت از ممالک مذکور برای همکاری با کمیسیون محاسبات استخدام شوند .
 - ۲ - دولت دستگاه تبلیغات صحیح و مرتبی در داخله و خارجه برای توضیح و بیان دعاوی و دلایل ایران بر پا دارد و در عین حال هیئت مختلط و اداره نفت وزارت دارائی و کمیسیونها را مدام در جریان اخبار و اطلاعات لازم بگذارد .
 - ۳ - دستورهای لازم برای تثبیت امنیت و آرامش کامل در خوزستان و کلیه نقاط نفت خیز جنوب صادر شود .
 - ۴ - برای تأمین هر گونه وسائل حفاظت مؤسسات نفت جنوب اهتمام کامل بعمل آید .
 - ۵ - پیش بینی های لازم مالی و سیاسی و انتظاماتی برای موقع تعطیل محتمل و موقت صناعت نفت و بیکاری کارگران و کارمندان و مسائل و پیش آمدهای احتمالی دیگر بعمل آید .
- باید تذکر داده شود که خود هیئت مختلط هم مستقیماً سو کمیسیونهای قضائی و فنی مرکب از اعضای محترم دادگستری و قضات و حقوق دانان مبرز و مهندسیین مجرب تشکیل داده و از نظریات آنان استفاده کرده است و در اینموقع لازم است از همکاری و مساعی آنان سپاسگذاری بعمل آید .

شاید احتیاج بذکر نباشد که هیئت با وجود تراکم اشتغال از تشکیل دفتر و آرشیو صرفه‌جوئی کرده و کلیه امور بحکم وظیفه‌افتخاری بمعهده خود اعضاء هیئت بوده و تمام کارهای مربوط بصورت جلسات و دفتر و ماشین نویسی بمعهده دونفر یعنی آقایان فضل‌الله وجدی و محمد علی مشایخ از کارمندان مجلس و یکنفر ماشین نویس از وزارت دارائی بوده است .

جناب آقای نخست وزیر هم باوجود اشتغالات زیاد دائمی همواره با هیئت مختلط همکاری فرموده و چندین بار در جلسات خصوصی هیئت شرکت جستند .

امور و مسائل جاری و مطالعات

گذشته از مراتب فوق هیئت مختلط با جنبه مشورت و حق نظارت که داشته با يك رشته امور و مسائل جاری و مراجعات سر و کار پیدا نموده و در هر يك از آنها مذاکره و اتخاذ نظر یا تصمیم کرده و نتیجه را بمراجع مربوطه ارجاع نموده و در ضمن مطالعاتی هم در پیرامون مسئله نفت بعمل آورده است اینك شمه ای از اینگونه کارها بر وجه ذیل بعرض میرسد :

- ۱ - رسیدگی بمراسلات و پیشنهادهای متفرقه که از داخل و خارج مربوط به طرز عمل در راه ملی کردن نفت رسیده .
- ۲ - رسیدگی به پیشنهادهای اشخاص یا شرکتهای خارجی مربوط به صدور و فروش نفت .
- ۳ - رسیدگی بمراسلات و مراجعات هیئت‌مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران .
- ۴ - رسیدگی بمراجعات دولت در باب تدابیر و اقدامات و مخابرات و مذاکرات و نظایر آن .
- ۵ - مطالعه و اظهار نظر در مخابرات و مذاکرات پیامها و مراسلات دولت با ممالک دیگر .
- ۶ - مطالعات در امور ممالکی مانند مکزیك که صناعت نفت خود را ملی کرده اند نیز در باب صناعت نفت و نزول و کشورهای متحده و سایر مسائل فنی که توسط آقای مهندس حسینی توضیحات داده شده .
- ۷ - تنظیم مصاحبه‌های لازم با مخبرین جراید و تهیه جواب سئوالاتیکه از ممالک خارج بناوین مختلف فرستاده شده است .

موضوع اجرای قانون ملی شدن نفت

چنانکه در مقدمه اشارت رفت جلسات اولیه هیئت بطور کلی مصروف مباحثه و مطالعه لازم در طرز شروع بعمل اجرای قانون ملی شدن مطابق قانون ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ و ادامه آن و دادن نظر مشورتی در این باب بدولت و وجوه مختلف روش کار مورد مذاقه واقع گشته و این امر تاکنون پایه کار هیئت را تشکیل داده است زیرا موضوع

اساسی و مبنای کار هیئت بحکم قانون اجرای نظارت و اعمال حق مشورت در باب عملی شدن قانون ملی شدن است. بعد از اقدامات و توصیه‌های مقدماتی که خلاصه آن معروض افتاد هیئت مستقیماً وارد بحث در عملی کردن قانون گشت و بالطبع در اولین وهله مواجه با ماده دو یعنی لزوم خلع ید شرکت سابق از طرف دولت گردید که لازم بود نظریات مشورتی هیئت در این باب معلوم و بدولت اعلام شود.

بعد از مذاکرات مفصل چنین بنظر رسید که برای تحویل زمامداری شرکت هیئتی سه نفری بنام هیئت مدیره موقت از اشخاصیکه بنظر هیئت ذیصلاحیت تشخیص داده میشود تعیین و باین سمت بدولت پیشنهاد شود در انتخاب آنان از میان حدود سی نفر از سرشناسان کشور که توسط اعضاء پیشنهاد شده بودند قرار شد آنانی انتخاب شوند که هیچیک از اعضاء هیئت مخالفت یا امتناع در رأی بآنان نورزد در نتیجه این روش آقایان محمد بیات، دکتر محمود حسابی و محمود نریمان تعیین و بدولت معرفی شدند ولی چون آقای نریمان نپذیرفت و آقای دکتر حسابی استعفا کرد بجای آنان آقایان مهندس بازرگان و دکتر عبدالحسین علی آبادی تعیین شدند تا بعد از مشاوره در مسائل مقدماتی و فراهم آوردن وسائل و تعیین اصول و وظائف و اقدامات که بصورت موادششگانه و چهارگانه تنظیم شد بصوب مقصد و برای اجرای مأموریت حرکت نمایند.

اینک متن مواد ششگانه و چهارگانه محتوی مقررات راجع به هیئت مدیره موقت و وظائف آنان:

مواد ششگانه :

- ۱- برای اجرای ماده ۲ قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و اداره موقت شرکت ملی نفت ایران هیئتی مرکب از سه نفر بعنوان هیئت مدیره موقت از طرف دولت انتخاب میشوند که با نظارت هیئت مختلط انجام وظیفه نمایند.
- ۲- هیئت مزبور دارای کلیه اختیارات لازمه برای اداره امور شرکت اعم از اکتشاف و استخراج و تصفیه و توزیع و فروش و بهره برداری خواهند بود.
- ۳- مادام که اساسنامه شرکت ملی نفت ایران بتصویب نرسیده است ملاک عمل هیئت مدیره موقت مقررات شرکت سابق نفت (جز آنچه با قانون ملی شدن صنعت نفت مغایرت داشته باشد) میباشد.
- ۴- کارشناسان و کارمندان و کارگران ایرانی و خارجه شرکت سابق نفت کماکان بخدمت خود باقی و از این تاریخ مستخدم شرکت ملی ایران شناخته میشوند.
- ۵- هیئت مدیره موقت باید نهایت دقت و سعی را در اجرای برنامه‌های موجود و افزایش محصولات نفتی بعمل آورد بطوریکه میزان استخراج و بهره برداری از میزان فعلی بیشتر شود.
- ۶- برای اینکه نرخ عادلانه بین المللی تعیین و ضمناً در امر صادرات نفت و مضعه ای حاصل نشود هیئت مدیره موقت مکلف است بمحض ورود بخواهستان اعلانی در

ایران و خارجه منتشر نماید بدین مضمون که در ظرف مدت یکماه طبق برنامه موجود شرکت سابق نفت در مقابل اخذ رسید بخریداران سابق مواد نفتی داده خواهد شد. خریداران در این مدت مکلفند بدفتر هیئت مدیره موقت مراجعه نموده ترتیب پرداخت قیمت مواد نفتی را که در مدت مذکور برده اند بدهند و همچنین برای احراز حقوق مذکور در ماده ۷ قانون نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ و ترتیب خرید و فروش نفت در آتیه موافقت هیئت مدیره را جلب نمایند. هیئت مدیره موقت اصول توافق با خریداران را برای تصویب بهیئت مختلط پیشنهاد خواهد نمود.

مواد چهار گانه :

طرح چهار ماده راجع بتشکیل هیئت مدیره موقت و وظائف آن

۱ - هیئت مدیره موقت مرکب از آقایان مهندس بازرگان و دکتر علی آبادی و مهندس بیات بمجرد ابلاغ از طرف دولت بخوزستان حرکت مینمایند که طبق مواد ششگانه راجع باجرا ماده (۲) قانون مصوب نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ با نظارت هیئت مختلط عمل نماید.

۲ - در حکم مأموریت هیئت نامبرده که بامضاء جناب آقای نخست وزیر صادر میشود تصریح خواهد گردید که مؤسسات تابع شرکت سابق نفت باید از این تاریخ کلیه دستورالعملهای هیئت مدیره موقت را اجرا نمایند: و حکم مزبور و همچنین خبر عزیمت هیئت نامبرده بلافاصله بوسیله رادیو و مطبوعات منتشر خواهد شد.

۳ - در موضوع حقوق و عوارض گمرکی هیئت مدیره موقت نظر خود را با اطلاع دولت میرساند تا دستور مقتضی صادر شود.

۴ - هیئت مدیره موقت باید ترتیبی فراهم نماید که در توزیع داخله خللی وارد نیاید.

در باب ماده سوم مواد چهار گانه توضیحاً گفته میشود که در بدو مذاکرات مربوط بخلع بد از اقداماتی که فوری و مقدماتی بنظر میرسید این بود که بمأمورین گمرکات ابلاغ شود صدور و ورود کالای مربوط بشرکت سابق را مطابق مقررات گمرکی کنترل و تابع قوانین گمرکی سازند و لسی بعداً مناسب دیده شد آن موضوع هم جزو تکالیف هیئت مدیره موقت قرار داده شود و طرز اقدام بتشخیص آنان واگذار گردد. هیئت مختلط برای اجرای حق نظارت خود در محل تصمیم گرفت سه نفر از اعضاء خود را بخوزستان فرستد تا در عملیات اجرایی هیئت مدیره نظارت و با آنان مشاوره و همکاری کنند و برای این منظور آقایان دکتر دفتری و ناصر قلی اردلان و حسین مکی تعیین شدند.

در این ضمن هیئت مرتباً در مسائل حقوقی و اصولی کار مطالعه و مشاوره خود را ادامه میداد و نظریاتی تعیین و بدولت ابلاغ مینمود و گاهی با خود اعضاء دولت مشاوره

و مذاکره میکرد و مخصوصاً مورد مشورت وزارت خارجه واقع میگشت و در مساعلی اتخاذ تصمیم مینمود.

اینک اصولی که هیئت در این مورد اتخاذ نموده بطور خلاصه ذکر میشود:

۱- قانون ملی شدن صناعت نفت در ایران حق مسلم ملت ایران و لازمه حاکمیت ملی و لایتنجیر است.

۲- قرارداد ۱۹۳۳ گذشته از اینکه در آن موقع بزور و عنف تحمیل شده است و بالنتیجه نافذ نمیتواند باشد بالطبع در مقابل حق حاکمیت ایران کان لم یکن محسوب است.

۳- در اختلاف بین شرکت سابق و دولت ایران دولت انگلستان بعنوان دولت عنوانی برای مداخله ندارد چون دولت ایران با یک شرکت خصوصی طرف است و اگر اختلافی و دعوائی پدید آمد مرجع صلاحیتدار محاکم داخله و طرفین دعوی دولت ایران و شرکت میتوانند باشند نه دولت انگلیس.

۴- در عین مسلم بودن این امر مراتب هیئت مختلط علاقه داشت کار بهره برداری در مدت مذاکرات نخواهد و هر نوع اهتمام بعمل آید تا کارمندان و کارگران و کارشناسان خارجی بر سر کار خود بمانند حتی با این نظر مورد تشویق واقع شوند نیز بهماز وضع خلع ید بناسیسات شرکت تا آنجا که مخالف با قانون ملی شدن نباشد مقررات شرکت سابق کماکان مرعی و مجری گردد چنانکه این تصمیم در مواد ششگانه و چهارگانه مزبور در فوق هم منعکس است.

علت تصریح اصول فوق زمره ای بود در اخبار خارجه که دولت انگلستان و شرکت سابق در صدد شکایت از ایران در محاکم بین المللی و تقاضای حکمیت هستند مؤید این قول نامه مورخ ۱۷ اردیبهشت ماه شرکت سابق بوزارت دارائی و تذکار به ای بود که در ۲۶ اردیبهشت ماه از طرف دولت انگلستان توسط سفیر کبیر ایران در لندن مقرون بهمین مضامین و با استناد بقرارداد غیر نافذ ۱۹۳۳ داده شد و مورد مذاقه هیئت مختلط واقع گشت و جواب مفصل تهیه شد ولی چون در عین حال صحبت آمدن هیئتی از طرف شرکت سابق برای مذاکرات بمیان آمد دولت بامید پیدا شدن راه تفاهم از استعجال در فرستادن جواب خودداری نمود. در همین تاریخ بیانیه ای نیز از طرف وزارت خارجه کشور های متحده امریکا در جرأید انتشار یافت که طرفین را دعوت بمذاکرات و حل اختلافات میکرد این پیام هم مورد مطالعه کامل هیئت مختلط واقع گشت و در جوابی که توسط وزارت خارجه در سیام اردیبهشت ماه داده شد آمال ملی ایران و قانون ملی شدن نفت و انتظارات ملت ایران از ملت آزاد بخواه امریکا توضیح گردید.

در خلال این احوال چون لازم بود هیئت مدیره موقت برای اجرای عمل خلع ید از شرکت بسمت مأموریت حرکت نمایند جناب آقای وزیر دارائی در ملاقاتی که روز چهارشنبه هشتم خرداد مساه با نماینده شرکت نمود مقاصد دولت را در اجرائی قانون ابلاغ و ضرب الاجلی برای جلب نظر آن شرکت تعیین کرد و این مذاکرات منجر بحاضر شدن شرکت باعزام یک هیئت نمایندگی برای مذاکرات گردید درین بین هیئت مدیره

موقت در تاریخ ۱۵ خرداد و سه روز بعد هیئت نظارت برای عمل بوظایف خود باهواز حرکت کردند ضمناً برای اینکه در مقاصد ملت ایران سوء تفاهم روی ندهد و انتشارات و اخبار گوناگون خارجی موجب انحراف افکار نگردد مصاحبه‌ای از طرف رئیس هیئت مختلط در تاریخ دوم خرداد ماه با مطبوعات بعمل آمد و مطالب مربوط بمقاصد مشروع ملی ایران و رد اسناد مصادره غیرقانونی اموال متعلق بشرکت سابق و وظائف هیئت مختلط و نبودن خصومت بین دولتین ایران و انگلیس و اهتمام ایران بجد اعلای بهره برداری و استفاده از کارمندان خارجی شرکت سابق وحاضر بودن ایران بفروش نفت بخربیداران سابق و نظایر این مطالب با تمام وضوح بیان شد بلافاصله جناب آقای نخست وزیر هم آمال ملی ایران را در مصاحبه‌ای دیگر بیان ومخصوصاً به موضوع فقر و فاقه در ایران جلب توجه خاص کردند وحق مسلم ایران را درملی کردن نفت و نظردولت را نسبت با استفاده از کارمندان خارجی و فراهم آوردن وسائل تشویق آنان يك بار دیگر تصریح فرمودند .

بالاخره شرکت سابق حاضر شد هیئتی برای مذاکره با دولت ایران بتهران گسیل دارد و هیئتی تحت ریاست آقای چکسن روز ۲۰ خرداد ماه وارد تهران و از فردای آنروز مذاکرات بین طرفین شروع شد و روز سه‌شنبه ۲۸ خرداد ماه پیشنهاد های شرکت بواسطه هیئت مزبور تقدیم شد ولی پیشنهادهای مذکور از طرف هیئت نمایندگی دولت قابل قبول وقابل تألیف با قوانین ملی شدن تشخیص داده نشد وچون شرط ادامه مذاکرات قبول شدن قوانین ملسی شدن قرار داده شده بود بحکم ضرورت همان شب مذاکرات قطع و دو روز بعد نمایندگان شرکت از تهران حرکت کردند .

بمجرد انقطاع مذاکرات هیئت مدیره موقت که ۱۵ خرداد ماه باهواز حرکت کرده بودند از طرف دولت مأمور شدند خلع ید را که شروع کرده بودند مطابق دستور هائی که داده شد توسعه دهند و تکمیل کنند و هیئت مدیره با نظارت نمایندگان هیئت مختلط عملیات مقدماتی ذیل را انجام دادند :

۱- هیئت مدیره موقت بمرارت مرکزی شرکت در خرمشهر انتقال یافته بود زمام امور را بدست گرفت .

۲- بمدیران و کارکنان شرکت سابق اخطار شد تحت اوامر هیئت موقت کار خود را ادامه دهند .

۳- مهندسین ایرانی که به همراهی هیئت اعزام شده بودند بوظائف خود در دستگاه نفت گماشته شدند .

۴- بخربیداران نفت در تعقیب اعلان قبل اخطار شد تقاضای خود را به هیئت مدیره موقت تسلیم دارند و در مقابل نفتی که بکشتی ها بارگیری میشود بشرکت ملی نفت ایران رسید بدهند

۵- باداره گمرکات دستور های لازم داده شد .

۶- بکارشناسان و کارمندان و کارگران خارجی اخطار شد کار و خدمت خود

۷ - بکلیه کارمندان و کارگران ایرانی اختصار شد نسبت بخارجیان نهایت مهتر و محبت را اجرا دارند .

۸ - کلیه در آمد حاصله از فروش نفت شرکت ملی ایران بحساب مخصوصی در بانک ملی ایران و شعبات آن گذاشته شد . هیئت مختلط وظیفه خود میداند در اینموقع از هیئت محترم اعزامی بجنوب و از مهندسين و مشاورین آنان که با نهایت جدیت و با وجود ناراحتی های فراوان به خدمات مهم خود ادامه دادند و می دهند صمیمانه قدرشناسی کند .

با این مقدمات عمل خلع ید انجام شد ولی مدیران و کارکنان انگلیسی بزماداری هیئت مدیره ایرانی معترض شدند .

و از آن طرف هم متصدیان حمل و نقل نفت برای خریداران سابق از دادن رسیدی که تقاضا میشد خودداری کردند وبالضروره عملیات بهره برداری نفت دچار اختلال و وقفه شد .

در نتیجه این پیش آمد و بمنظور روشن کردن اوضاع و دادن گزارش دو نفر از اعضای هیئت نظارت یعنی آقایان دکتر متین دفتری و اردلان در تاریخ ۱۲ تیرماه از جنوب بمرکز آمدند و توضیحات لازم را دادند و درباب تکمیل خلع ید و پیش بینی های مقتضی از آن جمله تأمین کار و زندگی کارگران که بواسطه خوابیدن تدریجی کاردر مؤسسات نفت واقع شدنی بود مذاکرات و مشاورات بعمل آمد و هر يك از آقایان اردلان و دکتر متین دفتری در مجلس شورای ملی و مجلس سنا گزارش دادند در این اثنا هیئت مختلط بار دیگر بدولت پیشنهاد نمود اهتمام مجدد برای نگاهداشتن و تشویق کارکنان خارجی بعمل آید و در موضوع تسهیل حمل نفت بخارج کوشش شود و دولت برای اطلاع عمومی در داخله و خارجه مجدداً اعلام دارد که ایران با تمام قوا مایل بادامه کار بهره برداری نفت است و با کمال حسن نیت حاضر است کارکنان خارجی با کلیه مزایا نگاهداری کند . در این ضمن هیئت مشغول مطالعه در باب شکایت مجدد دولت انگلستان بدادگاه بین الملل بعنوان اقدامات تأمینی و حفظ جریان بهره برداری در جنوب بمطالعات لازم پرداخت و با وجود فرصت بسیار کوتاهی که از طرف دادگاه داده شده و مقرر شده بود بعد از پنج روز یعنی در تاریخ نهم تیرماه محاکمه بعمل آید هیئت مختلط نظر خود را درباب عدم صلاحیت دادگاه برای مداخله در اختلاف بین دولت و يك شرکت خصوصی يك بار دیگر بدولت اعلام کرد و جواب مفصلی روی این اساس در حدود وقت بسیار محدود از طرف دولت تهیه و توسط آقای دکتر شایگان در ۸ تیرماه بلاهه ارسال شد و چون دادگاه قبل از تعیین صلاحیت خود در تاریخ سیزدهم تیرماه قرار صادر کرد و در آن قرار اعاده وضع قبل از خلع ید شرکت سابق را پیشنهاد نمود و این امر بالطبع با قانون ملی شدن نفت مخالف و اجرای آن غیر مقدور بود بعد از مطالعات لازم تصمیم اتخاذ شد که قرار دادگاه رد شود و دولت ایران از مشمولیت فقره دوم ماده ۳۲ اساسنامه

دادگاه بین الملل راجع بقضاوت اجباری کناره گیرد این تصمیم اجرا شد و عیناً توسط وزارت خارجه با اطلاع آقای تریگولی دبیر کل ملل متحد رسید در ضمن دولت دستور داد برای مخابرات اهواز هم هیئت رئیسه ایرانی تعیین شود و در باب نفت کرمانشاه و توزیع داخله بعد از مشاوره در هیئت مختلط آقای مهندس بلالی با دستورهای لازم از طرف دولت بکرمانشاه اعزام شد و آقای مهندس شقاقی بعنوان ناظر عالی شرکت ملی نفت ایران در رأس توزیع داخله در مرکز منصوب شدند و مطابق اصل قبول شده مقرر شد در این امر هم از کارمندان شرکت سابق استفاده شود.

بلافاصله بعد از ارسال جواب رد قرار دادگاه و اجرای تصمیم دولت پیامی از حضرت رئیس جمهوری امریکا که پیام دومی ایشان بود در همان تاریخ یعنی ۱۷ تیرماه بعنوان جناب آقای نخست وزیر رسید قسمت اول آنکه مربوط بقراردادگاه بود بواسطه دیر رسیدن پیام منتفی بود ولی قسمت دوم پیام که علاقه دولت و ملت امریکارا نسبت بمنافع ایران نشان میداد و پیشنهاد شده بود در صورت موافقت دولت ایران یکی از دوستان و مشاوران رئیس جمهوری که از رجال نامی و بصیر امریکا است یعنی جناب آقای هرین برای مشاوره و کمک در حل اختلاف فیما بین دولت و شرکت بطور غیر رسمی و بطریق دوستانه بتهران بیایند. چون حسن نیت امریکائیها نسبت بایران همواره در گذشته و حال بشبوت رسیده است علاوه دولت ایران بشرط ملی شدن نفت و تحقق آمال ملی از هیچگونه اقدام در راه حل اختلاف امتناع نداشته و ندارد پیشنهاد صادقانه رئیس جمهوری را حسن تلقی کرد و هیئت مختلط هم بعد از ملاحظه جوانب امر این عمل را سودمند تشخیص داد لذا در پیام جوایبه صمیمانه و دوستانه ای که جناب آقای نخست وزیر ۲۰ تیرماه بحضرت رئیس جمهوری امریکا فرستاد آمدن آقای هرین را بتهران کمک و مشاوره لازم و نیز بمنظور مطالعه در اوضاع اقتصادی ایران حسن استقبال نمود و در نتیجه آقای هرین از امریکا حرکت وصبح ۲۳ تیرماه وارد تهران شد و بلافاصله بپیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه شرفیاب شدند و بعداً از جناب آقای نخست وزیر ملاقات کردند و پس از مبادله نظریات کلی حاضر بودن خود را برای شروع بکار اعلام داشتند. هیئت مختلط که اهمیت زیادی بآمدن و مشاوره و کمک جناب آقای هرین قائل است بنا بعقیده خود و صلاحدید دولت بیدرنک چهار نفر از اعضای خود یعنی آقایان دکتر شایگان و دکتر شفق و صالح و کتر متین دفتری را برای ملاقات و مذاکره های مشورتی بامعظم له انتخاب و تعیین کرد و این سو کمیسیون چهارگانه بلافاصله با آقای هرین تعیین وقت و ملاقات نمود و اصول مذاکرات در قضیه اختلافات بین دولت و شرکت آغاز شد. تاکنون پنج جلسه در صاحبقرانیه انعقاد یافته و در مطالب مختلف مذاکرات بعمل آمده است.

هیئت لازم می داند اظهار دارد که سو کمیسیون در شخص آقای هرین صداقت و خیرخواهی و بصیرت و علاقه خاص قابل تقدیری تشخیص داده و در نتیجه این ملاقاتها عقیده پیدا کرده است که معظم له نسبت بمنافع حیاتی و حق حاکمیت ملت ایران علاقه قلبی دارد و باکمال حسن نیت می کوشد اختلاف فیما بین با حسن وجوه مرتفع گردد و

که نه حقی از حقوق مشروع ملت ایران ضایع گردد و نه اختلافات ادامه یابد و در ضمن رفع اختلاف با شرکت سابق روابط دوستی بین دولتین ایران و انگلستان هم تأیید و تشدید گردد.

هم اکنون که آقای هریمن تازه از مسافرت سه روزه خود بلندن بهرین بازگشته است امیدواری زیاد است که با موافقت و قبول رسمی و علنی دولت انگلستان با اصل ملی شدن نفت ایران مطابق فورمولی که با آقای هاریمن تسلیم شده بود و با آمدن هیئتی جدید از انگلستان بمنظور تجدید مذاکرات مشکلات فعلی برطرف خواهد شد و ملت ایران با رفاه و آزادی زندگانی فردی و اجتماعی خود را ادامه خواهد داد.

در خاتمه چنانکه ملاحظه میفرمایند با اینکه در تمام این مدت هیئت مختلط ساعتی فراغت و راحت نداشته و مدام مشغول ادای وظائف مرجوعه بوده است هنوز از وظائف خطیری که قانون بآن محول کرده تنها در قسمتی موفق شده و بحکم و ضرورت مساعی عمده را صرف مدلول ماده ۲ یعنی موضوع خلع ید که تحقق مواد دیگر منوط به تحقق آن است نموده و در ضمن اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و آئین نامه اعزام محصلین ایرانی را برای فراگرفتن رشته های مختلف مربوط به صناعت نفت با همکاری اهل فن تهیه کرده است.

هنوز وظائف عمده مانند نظارت در رسیدگی دعاوی طرفین و حساب شرکت از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ با بنظر و بهره برداری و مسائل دیگر مرتبط با این موضوعها که ممکن است پیش بیاید باقی مانده نیز مقتضی است هیئت در مذاکراتی که فعلاً در جریان است وظیفه نظارت خود را انجام دهد.

کلیه مسائل فوق باید در موقع خود بیدرنک مورد توجه و مطالعه هیئت قرار گیرد بنابراین هیئت مختلط لازم می داند بموجب ماده ۹ قانون سه ماه دیگر تمدید تقاضا نماید تا بتواند بکارهای خطیر و وظائف سنگین خود ادامه بدهد و بعون الله تعالی با رو سفیدی و سر بلندی از عهده آن بر آید.

در ضمن تذکر می دهد که در جلسه اخیر هیئت یعنی روز چهارشنبه ۹ مرداد ماه آقایان دکتر رضا زاده شفق بعنوان مخیر هیئت در مجلس سنا و دکتر عبدالله معظمی بعنوان مخیر در مجلس شورای ملی انتخاب و تعیین شدند.

گزارش آقای نخست وزیر به مجلس شورای ایهلی
 راجع به شناسائی ملی شدن صنعت نفت
 از طرف دولت انگلیس و شرکت سابق نفت
 در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۳۰

درسی ام خرداد ماه گذشته اینجانب گزارش مشروح مذاکرات دولت ایران را
 باهیئت نمایندگی اعزامی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بعرض آقایان نمایندگان
 محترم رسانیده و توضیح دادم که باآنکه دولت طی یادداشت هشتم خرداد ماه ۱۳۳۰
 صریحاً قید کرده بود که دولت ایران فقط در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت حاضر به
 مذاکره است هیئت نمایندگی شرکت سابق پس از چندین بار استمهال ساعت هشت بعداز
 ظهر سه شنبه ۲۷ خرداد ماه ۱۳۳۰ در کاخ نخست وزی یادداشت غیرمنتظره ای که بکلی
 مباین باقوانین راجع بملی شدن صنعت نفت بود تسلیم نمود و بدین جهت دولت ایران از
 ادامه مذاکرات خودداری کرد و دو روز بعد نمایندگان اعزامی شرکت سابق نفت به
 انگلستان بازگشتند و بلافاصله دستورخلع ید صادر وبموقع اجراء گذاشته شد .

در هفدهم تیرماه جناب آقای سفیر کبیر امریکا نامه ای از طرف حضرت ترومن رئیس جمهور کشور های متحده آمریکا باینجانب تسلیم نمود که پس از اظهار علاقه بجل اختلاف پیشنهاد فرموده بودند جناب آقای اورل هرین را بنمایندگی مخصوص خود به ایران روانه کنند تا درباره این مسئله با اینجانب و دولت ایران بمذاکره پردازند . اینجانب با اظهار تشکر از حسن نیت ایشان اطلاع دادم چنانچه حق ملی مامطابق قوانین ملی شدن صنعت نفت مورد موافقت واقع شود دولت ایران حاضر است بلافاصله برای حل کلیه اختلافات وارد مذاکره شود و ورود نماینده حضرت رئیس جمهوری را استقبال نماید .

در تعقیب این پیام ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه بیست و سوم تیر ماه جناب آقای اورل هرین وارد تهران شدند و صبح روز بیست و چهارم تیر ماه با این جانب ملاقات و مذاکره کردند و در تعقیب آن مذاکره و مذاکرات بعدی از طرف هیئت دولت بوزیر دارائی و از طرف هیئت مختلط آقایان دکتر متین دفتری و دکتر رضا زاده شفق و دکتر شایگان و اللهمیار صالح اعضاء آن هیئت ماموریت داده شد که با آقای هرین وارد مذاکره شوند . در نتیجه این مذاکرات در جلسه دوشنبه سی و یکم تیرماه هیئت وزیران و هیئت مختلط که در منزل اینجانب تشکیل گردید فرمول ذیل طرح و مورد تصویب قرار گرفت و بعنوان نظریه قطعی دولت ایران با آقای هرین تسلیم شد :

هیئت وزیران و هیئت مختلط نفت در جلسه دوشنبه ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۰ منعقد در منزل جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر فرمول ذیل را تصویب نمودند :

اولا - در صورتیکه دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق انگلیس و ایران اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق وارد مذاکره شود .

ثانیا - دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بطهران موافقت خود را بوکالت از طرف شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید .

ثالثاً - مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است و متن آن ذیلا درج میشود :

« بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهان امضاکنندگان ذیل پیشنهاد مینمایم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف ، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد .

برای مزید استحضار آقای هرین يك نسخه از یاد داشتی را که نمایندگان شرکت سابق نفت راجع بطرز قبول اصلی ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده اند و مورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان رسید .

رابعاً - دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود .

Handwritten signature and initials at the top left.



درداول (Dardavol) - Handwritten in a circle.

Handwritten signature and text on the right side.

روزدوشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۳۰ جلسه مشترك هیئت وزیران وهیئت مختلط در منزل جناب آقای دکتر

مصدق نخست وزیر انعقاد پانت وبعد از مذاکرات فصل تصویبات ذیل اتخاذ گردید که در مذاکرات

امروز عصر با آقای هرین نماینده مخصوص حضرت رئیس جمهوری امریکا بر طبق آن عمل شود .

(۱) فرمولی که باید آقای هرین تسلیم شود از قرار ذیل خواهد بود :

() در صورتیکه دولت انگلیس بگوکالت از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران اصل ملی شدن

صنعت نفت در ایران را بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بگوکالت از طرف

شرکت سابق وارد مذاکره شود ()

(۲) دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بظهران مراقبت خود را بگوکالت از طرف

شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید .

(۳) مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص

نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است

و متن آن ذیلا درج میشود :

() بنام سعادت ملت ایران و منظور کمک بتأمین صلح جهان امضا کنندگان ذیل پیشنهاد بنماییم

که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشوری و استثنای ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف

استخراج و پیسره برداری در دست دولت قرار گیرد ()

(۴) در موقع مذاکره با آقای هرین عین تعریف اصل ملی شدن مندرج در ماده نسوق

باطلاع ایشان برسد تا بعد از سه تفاهمی در مذاکرات حاصل نشود و نیز یاد آوری را که نمایندگان

Handwritten signature and text on the right side.

Handwritten signature and text on the right side.

Handwritten signature and text on the right side.

Handwritten signature at the bottom left.

اکنون متن یادداشت نمایندگان شرکت سابق نفت که مورد قبول دولت ایران واقع نشد برای استحضار قرائت میشود:

یادداشت

در یادداشتی که جناب آقای وزیر دارایی روز هشتم خرداد به نماینده شرکت در تهران تسلیم نمودند بشرکت اطلاع داده شده بود که دولت شاهنشاهی ایران مایل است از تجارب و اطلاعات شرکت استفاده نماید و حاضر است پیشنهادی را که شرکت تقدیم کند مورد توجه قرار دهد مشروط بر اینکه منافعی با اصل ملی شدن نفت نباشد.

اینک شرکت میخواهد بلادرنگ پیشنهاد مثبتی که جنبه موقت دارد تقدیم نموده بدینوسیله ثابت کند که مایل است هرچه زودتر یک ترتیب عملی داده شود که طبق آن دولت بتواند از تجربه شرکت استفاده نماید. بنا بر این هیئت نمایندگی از طرف شرکت اجازه دارد مبلغ ده میلیون لیره در اختیار دولت بگذارد. این مبلغ مساعده ای خواهد بود از بابت وجوهی که در نتیجه موافقت نهائی بین دولت و شرکت طلب دولت خواهد بود با این تفاهم پرداخت میشود که دولت تعهد نماید مادام که مذاکرات در جریان است مانع عملیات شرکت نشود. همچنین ما حاضر هستیم از ماه ژوئیه به بعد هر ماه مبلغ سه میلیون لیره تا وقتی که ترتیبی مقرر شود بدولت برداریم. در جلسه قبل اینجانب اظهار کردم که ما با حفظ کامل کلیه حقوق خود بسیار مایل هستیم که بوسیله مذاکره با آقایان محترم طریقه رضایت بخشی پیدا کنیم که حسن اداره صنعت را تأمین نموده و با اصل ملی شدن هم منطبق باشد. بنظر شرکت چنین میرسد که ممکن است بر اساس طرحی مشتمل بر کلیات زیر ترتیبی داده شود:

دارائی ایرانی شرکت به یک شرکت ملی نفت ایران منتقل گردیده و شرکت مزبور در ازای این واگذاری حق استفاده از دارائی مزبور را به شرکت جدیدی که از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تأسیس میشود تفویض خواهد نمود. شرکت جدید عده ای مدیر ایرانی در هیئت مدیره خود خواهد داشت و از طرف شرکت ملی نفت ایران عمل خواهد کرد. عملیات پنخش در ایران به شرکتی منتقل خواهد شد که مالکیت و اداره آن کاملاً ایرانی باشد و انتقال دارائی موجود بآن شرکت طبق شرایط مساعدی انجام خواهد گرفت.

شرح فوق فقط کلیات طرز عملی است که امکان پذیر میباشد و شرکت آنرا بعنوان یک قدم مثبت در راه پیدا کردن اساس مذاکره پیشنهاد مینماید.

ما نکاتی را که جناب آقای وزیر دارائی در جلسه ۲۳ خرداد بیان فرمودند توجه کامل قرار داده ایم. اگر در مفهوم خود اشتباه نکرده باشیم پیشنهاد جناب ایشان بود که از تاریخ ۲۹ اسفند ماه شرکت بایستی مجموع در آمد فروش نفت ایران را (منهای هزینه) بدولت تحویل دهد که بیست و پنج درصد آن در بانک مرضی الطرفین برای



جلسه فوق العاده دولت ساعت ده بعد از ظهر روز دوشنبه سی و یکم تیرماه ۱۳۴۰ / ۱۳
در منزل آقای دکتر مصدق تشکیل گردید استاد آقای صالح گزارش ملاقات نمایندگان
هیئت مختلط و آقای وزیر ارشاد را با مستر هریمان نماینده رئیس جمهوری امریکا
توصیح داده و گفتند که متن صورت جلسه صبح که بایشان داده شد قبول کردند
مفاد آن را با اطلاع دولت انگلستان برسانند در اینک دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان
خود قبولی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را رسماً اعلام نماید سرم آقای هریمین
اضافه کرده اند که : ((من بدولت انگلیس صورت جلسه هیئت دولت را اطلاع میدهم
و بآنجا میگویم که دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون تا آنجا که مسر بوسط
بخلاف انگلیس است وارد مذاکره شود))
چند
جمله اخیر پیشنهادی آقای هریمین مورد موافقت دولت قرار گرفت و آقای وزیر راه بوسیله
تلفن این موافقت را با ایشان اعلام نمودند .

وزیر امور خارجه
وزیر فرهنگ و معارف
وزیر اقتصاد و معادن
وزیر راه و ترابری
وزیر صنایع و معادن
وزیر مالیه و اقتصاد
وزیر دادگستری
وزیر کسب و کار
وزیر آموزش عالی
وزیر فرهنگ و معارف
وزیر امور خارجه
وزیر فرهنگ و معارف
وزیر اقتصاد و معادن
وزیر راه و ترابری
وزیر صنایع و معادن
وزیر مالیه و اقتصاد
وزیر دادگستری
وزیر کسب و کار
وزیر آموزش عالی

پرداخت مطالبات احتمالی شرکت تودیع گردد. ما يك چنین پیشنهادی را نمیتوانیم قبول کنیم. هیئت برای مذاکره به ایران آمده است و بعقیده ما عنوان يك چنین تقاضایی از طرف دولت ایران قبل از اینکه مذاکرات حتی شروع هم شده باشد عمل غیرموجهی است. علاوه ما اطمینان داریم که وقتی ما در ضمن مذاکرات آینده طرز جریان و اداره کار خود را با تفصیل بیشتری برای آقایان توضیح دادیم آقایان با ما هم عقیده خواهند شد که يك چنین تقاضایی نه از لحاظ تجارتي ممکن و نه برای هیچ شرکت نفتی قابل قبول است.

آقای هریمین داوطلب شدند که شخصا این فرمول را با اطلاع دولت انگلستان برسانند و بدین منظور روز جمعه چهارم مرداد، با هواپیما بلندن حرکت کردند و روز ششم مرداد ماه نامه زیر از طرف دولت انگلستان توسط سفارت کبرای آن دولت در تهران بدولت ایران تسلیم شد:

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پیشنهاد دولت ایران را برای مذاکره بین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف شرکت نفت انگلیس و دولت ایران و برای بحث مطالبی که مورد علاقه متقابل دولتین است توسط آقای هریمین دریافت داشته است.

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است از این دعوت استفاده نماید لکن دولت ایران باین نکته توجه خواهد نمود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با منتهای حسن نیت وارد مذاکره خواهد شد و مذاکرات مزبور فقط در صورتی میتواند بصورت رضایت بخش جریان یابد که کششی که در حال حاضر در جنوب موجود است تسکین و تخفیف یابد.

با این اطمینان که دولت ایران این حقیقت را تشخیص میدهد و با همان روح وارد مذاکره خواهد شد هیئتی بریاست یکی از وزراء کابینه فوراً حرکت خواهد کرد. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیت می شناسد.

عصر روز ششم مرداد ماه از طرف سفارت کبرای امریکا پیشنهاد شد که دولت در صورت موافقت پاسخی بمضمون زیر توسط آقای هریمین برای دولت انگلستان بفرستند. دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلستان طبق پیشنهادی که توسط آقای هریمین تسلیم گردیده هیئتی بایران اعزام میدارد. دولت ایران تمایل به رفع تانسین در جنوب را از نقطه نظر دولتین و بنفع توفیق مذاکرات مطلوب تشخیص میدهد و دولت ایران با همان روح حسن نیتی که دولت انگلستان ابراز داشته است وارد مذاکره خواهد شد.

ولی پیشنهاد فوق مورد موافقت دولت ایران قرار نگرفت زیرا آن صحبت از وجود کششی در خوزستان شده بود که دولت ایران قبول میکرد آنرا رفع کند و ممکن بود از ابهام این کلمه استفاده کرده و آنرا چنین تعبیر کنند که تمام عملیات مربوط

به خلع ید درخوزستان باعث وجود حالت تانسیون شده و دولت ایران قبول کرده است که برای رفع این حالت وضع را بحال اولیه برگرداند . بدین جهت شب دوشنبه هفتم مرداد در جلسه هیئت دولت وهیئت مختلط نفت بجای نامه ای که پیشنهاد شده بود نامه ای بدین مضمون تهیه و ارسال گردید :

دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که برطبق فرمول مورخه دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ (مطابق ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۱) که بجناب آقای هریمنداده بود دولت پادشاهی انگلستان ازطرف خود و ازطرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیت میشناسد و انتظار دارد که این شناسائی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی گذارده شود . و نیز خوشوقت است که دولت انگلستان قصد دارد هیتتی را بسمت وکالت ازطرف شرکت سابق نفت برای مذاکره بادولت و مقامات صلاحیتدار به تهران اعزام دارد و درعین حال هیئت مزبور راجع به طریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع متقابل دوکشور است بادولت ایران وارد مذاکره شود . دولت ایران معتقد است که تانسیون درخوزستان وجود ندارد و یقین دارد شناسائی رسمی اصل ملی شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بوجود خواهد آورد تا با روح صمیمیت و حسن نیت مذاکراتی که در فوق بآن اشاره شده جریان یابد .

فردای آن شب یعنی روز هفتم مردادماه مطابق باسی ام ژوئیه ۱۹۵۱ ازطرف جناب آقای سفیر کبیر آمریکا یادداشتی بدین مضمون برای اینجناب رسید :

سفارت کبیر ای آمریکا - تهران

۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱

نخست وزیر عزیزم

الساعه تلگراف فوری از آقای هریمند دریافت نمودم . ایشان متذکر شده اند که تصور نمیکنند بتوانند پیامی را که بمن تسلیم فرمودید بدولت انگلستان تسلیم نمایند . ایشان تصور نمیکنند که پیام مزبور تسهیلی درافتتاح باب مذاکرات بشناید . آقای هریمند پیشنهاد میکنند که جنابعالی وهمکارانتان شاید بتوانند تجدید نظر در جواب پیشنهادی دولت انگلستان که اهمیت فوق العاده دارد بفرمایند . ایشان اطمینان دارند که در صورتی که جواب دولت ایران با زبان رضایت بخش تری تنظیم گردد اقدامات لازمه برای اعزام فوری يك میسیون دولتی انگلیسی مقدور است .

با اطمینانی که بتوجه مخصوص جنابعالی در اینموضوع دارم و اطمینانیکه به اقله دولت شما برای پیدا نمودن راه حل مناسبی درموضوع نفت دارم صادقانه امیدوارم که خواهید توانست در پیام دیشب خود تجدید نظر فرمایید .

هانری اف - گریدی



دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلیس مطابق فرمولی که توسط آقای هرین داده شده از طرف خود و کمپانی سابق اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول کرده و هیئتی برائین مذاکره بایران اعزام میدارد - دولت ایران بمنظور کامیابی در مذاکرات اهمیت ایجاد بهترین محیط ممکنه از طرف دولتین را تصدیق کرده و با همان روح حسن نیت که از طرف دولت انگلیس اظهار میشود بمذاکرات وارد خواهد شد .

Handwritten signatures and stamps, including the name 'مهندس' (Engineer) and 'وزارت نفت' (Ministry of Petroleum). A large signature is visible at the bottom right, and another at the top left. A watermark 'www.Iran-archaeology.com' is present across the middle of the page.

که بلافاصله اینجانب نامه زیر را در پاسخ آقای سفیر کبیر آمریکا برای ایشان فرستادم :

سفیر کبیر عزیزم

در جواب یادداشت هفتم مرداد ماه ۱۳۳۰ (۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱) محترماً اشعار میدارد بسیار خوشوقت میشوم اگر از جناب آقای هاریمین سؤال فرمایند کدام جمله از بیانی که در جواب ایشان در شب گذشته بوسیله جناب عالی بلندن مخبره شده ایجاد محظور نموده و باعث شده که ایشان تصور کنند پیام مزبور تسهیلی در افتتاح باب مذاکرات نمینماید و بنابراین از تسلیم آن بدولت انگلستان خودداری فرموده اند .
موقع را برای تجدید احترامات مغتنم می شمارد .

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

روز بعد آقای هاریمین با هوایما بایران مراجعت نمودند .

سه روز بعد از آن یعنی روز جمعه یازدهم مرداد ماه آقای میدلتن کاردار سفارت در وزارت امور خارجه حضور یافته و نامه ای بمضمون ذیل با آقای وزیر امور خارجه تسلیم نمودند :

سفارت کبیر ای انگلیس - تهران

۱۱ مرداد ۱۳۳۰

شماره ۱۰۰

آقای وزیر

بر حسب دستور دولت متبوع خود محترماً باستحضار خاطر آنجناب میرساند که آن دولت فرمول دولت شاهنشاهی را برای مذاکره فیما بین دولت شاهنشاهی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوکالت از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران و مذاکره در موضوع های مربوطه بمنافع متقابل دولتین توسط مستر هاریمین دریافت نموده است .
۲- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است فرمول مزبور را مورد استفاده قراردادده و حاضر است طبق آن فرمول مذاکره نماید ولیکن دولت شاهنشاهی تصدیق خواهند نمود که مذاکراتی که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قسمت خود با کمال حسن نیت وارد آن خواهد شد نمیتواند بطریق رضایت بخشی پیشرفت نماید مگر اینکه

تسکینی در محیط فعلی داده شود.

بر طبق اطمینانیکه دولت شاهنشاهی حقیقت مزبور را در نظر میگیرد و ما نیز با همان روح وارد مذاکره خواهیم شد میسیونری که بریاست یکنفر وزیر کابینه خواهد بود بلافاصله حرکت خواهد نمود.

۳ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول مینمایند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید مینمایم.

جی • اچ • میدلتن

جناب آقای باقر کاظمی

وزارت امور خارجه شاهنشاهی - تهران

همان وقت در پاسخ این نامه نامه ای بدین مضمون از طرف آقای وزیر امور خارجه با آقای کاردار سفارت کبرای انگلستان تسلیم شد:

وزارت امور خارجه

شماره ۱۷۲۰۲

مورخ ۱۱ مرداد ۱۳۳۰

آقای کاردار

در پاسخ نامه مورخه سوم اوت ۱۹۵۱ شماره ۱۰۰ اشعار میدارد دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلیس مطابق فرمولی که توسط آقای هرین داده شده از طرف خود و کمپانی سابق اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران قبول کرده و هیئتی برای مذاکره بایران اعزام میدارد. دولت ایران بمنظور کامیابی در مذاکرات اهمیت ایجاد بهترین محیط ممکنه از طرف دولتین را تصدیق کرده و با همان روح حسن نیت که از طرف دولت انگلیس اظهار میشود بمذاکرات وارد خواهد شد.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می شمارد.

وزیر امور خارجه - باقر کاظمی

آقای میدلتن

کاردار سفارت کبرای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

آقای کاردار سفارت کبرای انگلستان طی نامه دیگری بدین مضمون دولت انگلستان را برای اعزام هیئتی بریاست آقای استوکس مهربدار سلطنتی بشهران باطلاع آقای وزیر امور خارجه رسانیدند:



دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که برطبق فرمول مورخه دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۳۰ -
(مطابق ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۱) که بجناب آقای هرین داده بود دولت پسادشاهی انگلستان
از طرف خود و از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیست
می شناسد و انتظار دارد که این شناسائی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی
گذارد شود . و نیز خوشتر است که دولت انگلستان قصد دارد هیئت را بسمت وکالت
از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره با دولت و مقامات صلاحیتدار به تهران اعزام دارد در
عین حال هیئت مزبور راجع به طریقه اجرای قانون ناآنگاه که مربوط بمنافع متقابل دو کشور
است با دولت ایران وارد مذاکره نمود دولت ایران معتقد است که تانمیونی در خوزستان وجود
ندارد و یقین دارد شناسائی رسمی اصل ملی شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بپروژه
خواهد آورد تا با روح صمیمت و حسن نیت مذاکراتی که در فوق بیان اشاره شده جریان یابد .

www.iran-archival.com

سفارت کبرای انگلستان . تهران

۳ - اوت ۱۹۵۱

شماره ۱۰۱

جناب آقای وزیر

افتخار دارم که بمرقومه آن جناب مبنی بر قبول دولت شاهنشاهی ایران باینکه وارد مذاکره بادولت پادشاهی انگلستان بوکالت شرکت نفت ایران و انگلیس و بحث در قضایای مورد علاقه دو دولت بشوند اشاره نمایم .

۲ - از دولت متبوعه خود دستور یافته ام که مراتب زیر را باستحضار آن جناب برسانم :

دولت متبوعه این جانب در نظر دارد هیئتی بریاست جناب استوکس مهر دار سلطنتی بهمراهی مشاورین ذیل اعزام بدارد .

سردو نالد فرگسون . جی . سی . بی . و دکتر و . ال . ناتال عضو وزارت سوخت و نیرو و مستر فلت عضو خزانه داری و جناب پی . ای . دمز باتم عضو وزارت خارجه . ضمناً پنج نماینده هم از شرکت نفت ایران و انگلیس و چهار منشی بمعیت این هیئت خواهند بود .

۳ - بطوریکه معین شده حرکت این هیئت در ساعت یازده روز جمعه سوم اوت خواهد بود و در حدود ساعت هفده و نیم شب چهارم اوت بوقت محلی وارد تهران خواهند شد .

موقع را برای تقدیم احترامات فائقه مغتنم میشمارم .

جی . ایچ . هیدلتن

جناب آقای باقر کاظمی وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی - تهران
در پاسخ این نامه آقای وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران طی نامه ذیل دعوت کردند که این هیئت در مدت توقف خود در ایران میهمان دولت شاهنشاهی باشند :

وزارت امور خارجه

شماره ۱۷۲۰۰

مورخ ۱۱ مرداد ۱۳۳۰

آقای کاردار

در پاسخ نامه مورخه سوم اوت ۱۵۹۱ شماره ۱۰۱ اشعار میدارد که دولت شاهنشاهی از آمدن هیئتی بریاست جناب آقای استوکس خوشوقت است و بوسیله این

نامه دعوت مینماید که هیئت مذکور در مدت توقف در ایران میهمان دولت شاهنشاهی باشند و جناب آقای سناتور جواد بوشهری وزیر راه را بسمت میهماندار این هیئت معرفی مینماید .

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد .

وزیر امور خارجه - باقر کاظمی

آقای میدلتن

کاردار سفارتگیری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

آقای کار دار سفارت کبری ایران دعوت را از طرف دولت متبوعه خود طسی

نامه ای بدین مضمون پذیرفتند :

سفارت گیری انگلستان - تهران

۳ - اوت ۱۹۵۱

شماره ۱۰۲

جناب آقای وزیر

افتخار دارم که وصول یاد داشت مورخ سوم اوت آن جناب را مبنی بر دعوت مهر دار سلطنتی و همراهان بعنوان مهمان دولت شاهنشاهی ایران هنگام توقف هیئت نمایندگی انگلستان در تهران اعلام دارم .

۲ - از دولت متبوعه خود دستور دارم که قبولی دولت پادشاهی انگلستان را نسبت باین دعوت ملاحظت آمیز باستحضار آن جناب رسانیده و تشکر صمیمانه دولت پادشاهی انگلستان را برای این مهمان نوازی تقدیم دولت شاهنشاهی ایران نمایم .
موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارم .

جی . اچ . میدلتن

جناب آقای باقر کاظمی وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی

بعلاوه مراسله دیگری از طرف آقای کاظمی وزیر امور خارجه با آقای کاردار

سفارت کبری انگلستان بشرح ذیل نوشته شده است :

وزارت امور خارجه

شماره ۲۷۲۰۴

یازدهم مرداد ۱۳۳۰

آقای کاردار

با نهایت احترام اینک صورت مجلس هیئت وزراء مشتمل بر فورمولیرا که در

تاریخ ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۰ بجناب آقای اورل هریمین داده شده و در نامه شما شماره ۱۰۰ مورخه سوم اوت ۱۹۵۱ و جواب اینجناب مورخه یازدهم مرداد ۱۳۳۰ شماره ۱۷۲۰۲ بآن اشاره گردیده لطفاً برای مزید استحضار ارسال میدارد .

موقع را برای تجدید احترامات فائقه متنتم میشمارد

وزیر امور خارجه — باقر کاظمی

آقای میدلتن

کاردار سفارت کبرای اعلیحضرت پادشاه انگلستان

این بود جریان اقداماتی که از بدو ورود مستر هریمین تا با امروز در باره رفع اختلافات مربوط به ملی شدن صنعت نفت در ایران صورت گرفته است .
 اینجناب وظیفه خود میدانم در این موقع در این مجلس از زحمات و مساعی مجداتۀ ایشان در این باره صمیمانه اظهار تشکر کنم زیرا حد اقل نتیجه ای که تا کنون از کوششهای ایشان گرفته شده این است که بر اثر مذاکرات دولتین دعوای ۴۲ سال امتیاز معادن نفت جنوب که ده سال آن مربوط بآخر مدت قرار داد داری تا سال ۱۹۶۱ و ۳۲ سال دیگر در نتیجه تمهید قرار داد مزبور تا ۱۹۹۳ است بکلی خاتمه یافته . امیدوارم مساعی ایشان تا بآخر به نتیجه برسد و با حسن نیت طرفین کلیه تمهید قرار داد اشکالات موجود بر اساس حق مشروع ایران حل شود .

بخشنامه بکلیه نمایندگان کبهای ایران در خارجه

در تاریخ ۱۷ مردادماه ۱۳۳۰

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات

شماره ۱۷۷۵۶/۳۷۵۹

مورخه ۱۳۳۰/۵/۱۷

متن اعلامیه هریمین فرستاده مخصوص حضرت ترومن رئیس جمهوری امریکا که در ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه یازدهم مردادماه جاری طی مصاحبه مطبوعاتی در اختیار خبرنگاران خارجی گذارده شد ذیلا جهت اطلاع و تکمیل پرونده آن نمایندگی درج میشود.

« من بینهایت خوشوقتم از اینکه دولتین ایران و انگلیس موافقت کرده اند

که مذاکرات خود را درباره موضوع ملی شدن صنعت نفت ایران مجدداً آغاز نمایند .
دولتین مزبور هر کدام با کمال حسن نیت حاضر بنظر آمده اند . من اطمینان کامل دارم که در نتیجه آن کشور ایران خواهد توانست تمایلات ملی خود را به بهترین وجهی عملی سازد و در عین حال از وسائل مهم فنی و حمل و نقل و فروش صنعت بین المللی نفت حداکثر استفاده را بنماید .

حل این مسائل باعث خواهد شد که ایران بتواند برنامه های مهم و مفصل خود را بمنظور بسط و توسعه اقتصادیات کشور بوجه احسن بموقع اجرا بگذارد .
دولت امریکا باینگونه برنامه های اصلاحی بینهایت علاقمند است و طبق تقاضای دولت ایران در حدود توانائی خود بمنظور تسریع اجرای اینگونه برنامه ها که برای بهداشت و رفاه و سعادت ملت ایران ضرورت کامل دارد از لحاظ فنی به ایران کمک خواهد کرد .

وقتیکه آقای ترومن رئیس جمهوری امریکا از من تقاضا کرد که بایران بیایم منظورش این بود که تا آنجا که برایم میسر است سعی کنم که بین دو دولت ایران و انگلیس درباره نفت توافق نظر و سازش حاصل کنم .

من از اینکه دولتین ایران و انگلستان هر دو مساعی من را حسن استقبال نموده اند بی نهایت تشکر را دارم و مخصوصاً از پذیرائی گرم و مهمان نوازی صمیمانه دولت و ملت ایران سپاسگذارم .

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۹	اول	دیروز	زائد است
۱۱۰	چهارم	امروز	> >
۱۱۳	اول	دیروز	> >
۱۳۲	اول	پریشب	> >
۱۵۹	در تیترا	تیرماه	خرداد ماه
۱۵۶	در تیترا	خرداد ماه	تیر ماه
۱۵۹	سوم	امروز	زائد است
۲۷۹	در تیترا	مرداد ماه	تیر ماه
۳۷۹	۷ و ۶	—	زائد است